

دانشنامه مهندسی در ایران

نخستین نشست علمی و تخصصی تابستان ۱۳۹۸

مکان برگزاری: مرکز همایشهای بین‌المللی رایزن

زمان: چهارشنبه ۲۷ شهریور ۱۳۹۸

عنوان سخنرانی: نیاز و کاربرد دانشنامه مهندسی در ایران

سخنرانان: دکتر علیرضا توافقی، دکتر محمود گلابچی و دکتر مصطفی کیانی

عنوان میزگرد: تشابهات و تفاوت‌های دانشنامه‌های مهندسی

اعضای میزگرد: کاظم موسوی بجنوردی، دکتر اصغر ساعدسمیعی، دکتر ایرج اعتصام، مهندس سیدمحمد بهشتی

و دکتر محمدمهدی محمودی

چکیده‌ای از سخنرانی‌ها

محمودی

ضمن عرض سلام، خوش آمد می‌گوییم خدمت تک‌تک بزرگواران در نخستین نشست «دانشنامه مهندسی در ایران» که با حمایت جناب آقای بجنوردی رئیس و بنیانگذار مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی و نیز کمک عزیزان مرکز همایشهای بین‌المللی رایزن شکل گرفته است و امیدوارم در هر فصل پذیرای شما بزرگواران باشیم.

نخستین برنامه این نشست تابستانی شامل سخنرانی با عنوان نیاز و کاربرد «دانشنامه مهندسی در ایران»

است که در خدمت آقای دکتر علیرضا توافقی‌جهرمی، آقای دکتر محمود گلابچی و آقای دکتر مصطفی کیانی هستیم و سپس میزگردی با عنوان تشابهات و تفاوت‌های دانشنامه‌های مهندسی با حضور جناب آقای کاظم موسوی-بجنوردی و نیز آقای دکتر سیمون آیوازیان، آقای مهندس سیدمحمد بهشتی، آقای دکتر اصغر ساعدسمیعی، آقای دکتر ایرج اعتصام و دکتر محمدمهدی محمودی برگزار می‌شود. قبل از شروع سخنرانی‌ها وظیفه خود می‌دانم که گزارشی از وضعیت «دانشنامه مهندسی در ایران» را ارائه دهم.

همان‌گونه که مستحضرید مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهشهای ایرانی و اسلامی) مؤسسه‌ای است پژوهشی که در اسفند ۱۳۶۲ به‌منظور تدوین و انتشار دانشنامه‌های عمومی، تخصصی و کتب مرجع به‌ویژه در حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی بنیاد نهاده شده است و تاکنون در این مرکز دانشنامه‌های متعددی تدوین یافته است و به‌عنوان مرجع از آنها بهره‌برداری می‌شود.

به دستور و پیشنهاد رئیس و بنیانگذار مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی تدوین «دانشنامه مهندسی در ایران» نیز در دستور کار قرار گرفته است. هدف از تدوین این دانشنامه، جست‌وجو، بررسی و ثبت همه موضوعات مرتبط با تاریخ مهندسی در ایران است.

□ ملاک جست‌وجوی رشته‌های مهندسی در ایران، رشته‌های مصوب وزارت علوم است.

۱- مهندسی برق	۲- مهندسی زمین‌شناسی	۳- مهندسی ژنتیک	۴- مهندسی شیمی
۵- مهندسی صنایع	۶- مهندسی عمران	۷- مهندسی کامپیوتر	۸- مهندسی کشاورزی
۹- مهندسی معدن	۱۰- مهندسی معماری	۱۱- مهندسی مکانیک	۱۲- مهندسی پزشکی
۱۳- مهندسی نساجی	۱۴- مهندسی نفت	۱۵- مهندسی هوا - فضا	

همچنین برای شروع این کار عظیم و باارزش، در آغاز سال جاری همکاران جوان و فعال تحت عنوان هیأت اجرایی «دانشنامه مهندسی در ایران» طی نشست‌های داخلی و بازدیدها و جلسات مستمر در کتابخانه مرکز دایرةالمعارف توانستند فهرست بلندی از مداخلی که تاکنون در مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی تدوین شده بوده است جمع‌آوری کنند که این بار با زبان مهندسی تدوین شود.

همزمان، تهیه فهرست اسامی استادان و متخصصان نیز آغاز شد که اکنون حدود ۴۰۰۰ مدخل و حدود ۵۰۰ نفر متخصص شناسایی شده‌اند.

□ دعوت از استادان و متخصصان به منظور تدوین مدخل برای «دانشنامه مهندسی در ایران» نیز در طی دو مرحله آغاز شد.

مرحله اول: دعوتنامه با عنوان مدخل پیشنهادی برای نویسنده ارسال می‌شود و پس از قبول مدخل از طرف نویسنده، اقدامات مرحله دوم انجام می‌پذیرد.

مرحله دوم: مدارکی که برای نویسنده ارسال می‌شود شامل شیوه‌نامه دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، شیوه‌نامه نگارش مقالات و تعهدنامه حق تکثیر و چاپ مقاله است.

□ شوراهایی که تصور می‌شود برای این دانشنامه باید تشکیل شوند و به تأیید شورای عالی علمی مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی برسند، بدین شرح پیشنهاد می‌شود که همگی زیرمجموعه شورای عالی علمی مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی خواهند بود.

اول: شورای سیاستگذاری «دانشنامه مهندسی در ایران»

دوم: شوراهای تخصصی علمی «دانشنامه مهندسی در ایران»

✓ شورای تخصصی علمی برای رده مهندسی معماری

✓ شورای تخصصی علمی برای رده مهندسی عمران

✓ شورای تخصصی علمی برای رده مهندسی صنایع

✓ شورای تخصصی علمی برای رده مهندسی کشاورزی

سوم: شورای تخصصی مشورتی «دانشنامه مهندسی در ایران» که تاکنون دو بار با تعدادی از متخصصان رشته‌های مهندسی برگزار شده است.

اکنون آماری از مداخل ارسالی را به استحضار شما بزرگواران می‌رسانم.

□ تعداد مداخل ارسال شده برای استادان و متخصصان از اول تیرماه سال جاری تاکنون ۱۲۰ عدد است که تاکنون ۸۶ نویسنده پاسخ مثبت داده‌اند و مدارک مرحله دوم برایشان از طریق ایمیل ارسال شده و تدوین مدخل مربوط را شروع کرده‌اند.

سه نفر هم به دلیل مشغله‌های کاری پوزش خواسته‌اند که هر سه برای مدخل مربوط فرد دیگری را معرفی کرده‌اند. یک نفر هم پاسخ رد داده و اعتقاد دارد این کار بیهوده است. تاکنون حدود ۲۵ نفر پاسخ نداده‌اند که تصور می‌کنم ایمیل را باز نکرده‌اند.

روند کار اجرایی که از آغاز سال جاری شروع شده است، حتماً نقایص فراوانی دارد که پس از تشکیل شوراهای علمی و نیز راهنمایی شما متخصصان گام‌های بهتر برداشته خواهد شد.

□ این نشست که نخستین است، با حمایت تک‌تک شما بزرگواران هر فصل برگزار می‌شود که امید داریم مستمر و در عین حال علمی و حرفه‌ای باشد.

□ اکنون دعوت می‌کنم از اولین سخنران این نشست، جناب آقای دکتر علیرضا توافقی جهرمی تشریف بیاورند و سخنرانی خود را آغاز کنند.

توافقی

علیرضا توافقی جهرمی هستم، دانش‌آموخته رشته مهندسی عمران، با تخصص سازه و زلزله. تصور می‌کنم کم‌تجربه‌ترین و کم‌سن‌ترین سخنران هستم. این کم‌تجربگی بنده را به بزرگواری خودتان ببخشید. بناست در مورد نیاز و کاربرد دانشنامه مهندسی در ایران صحبت شود. من این مبحث را در قالب چهار موضوع اصلی و یک جمع‌بندی آماده کرده‌ام. ابتدا وضعیت موجود دانشنامه‌های داخل کشور را از نظر سلاقی مختلف موجود به اجمال بررسی می‌کنیم؛ درباره نیاز و کاربرد دانشنامه مهندسی، مثالی را با هم می‌بینیم؛ ساختارهای پیشنهادی برای این دانشنامه را در بخش سوم با هم خواهیم دید؛ یک ماکت پیشنهادی برای این دانشنامه (البته در قالب پیشنهاد) را هم خواهیم دید؛ در پایان هم جمع‌بندی مختصری خواهیم داشت.



هم‌اکنون، دانشنامه‌های داخلی و خارجی فراوانی در گرایش‌های مختلف مهندسی وجود دارند که وزن رشته معماری در آنها بیشتر است. دانشنامه‌های مختلف داخل کشور شامل موارد زیر است:

- دایرةالمعارف معماری و شهرسازی که ساختارش الفبایی است و نسخه چاپی آن هم موجود است. در این دانشنامه به بررسی واژگان مختلف در این حوزه پرداخته شده است؛

- دانشنامه فرهنگ آثار معماری که مجموعه‌ای بیست‌جلدی است که به‌صورت موضوعی به بررسی بناها و آثار مختلف معماری پرداخته و در حدود ششصد اثر در آن گردآوری شده است؛

- فرهنگ‌نامه معماری ایران؛

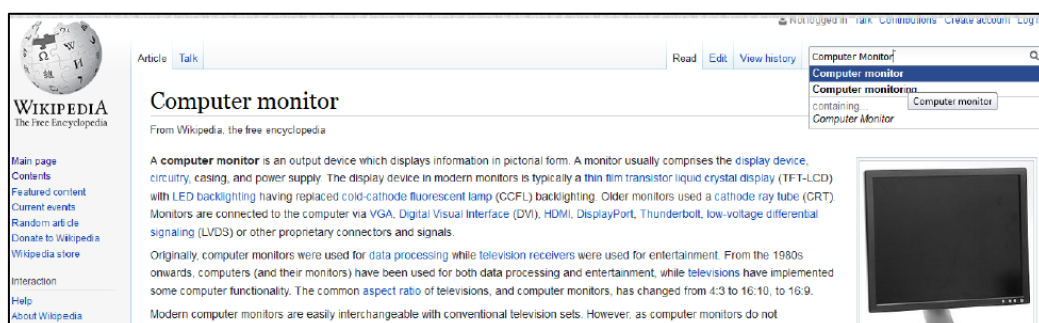
- دانشنامه تاریخ معماری ایران‌شهر که در قالب نسخه الکترونیکی به‌صورت سایت هم موجود بود که البته مشکلاتی برایش به وجود آمد.

اگر کمی از رشته معماری فاصله بگیریم، در حوزه تاریخ مهندسی در ایران هم اثری با ساختار موضوعی طبقه‌بندی شده و نسخه چاپی با ساختار الفبایی وجود دارد. البته همه مطلعیم که در بنیادهای مختلف داخل کشور، دانشنامه‌هایی در دست تدوین است و مراکز مختلف تلاش می‌کنند که دانشنامه‌هایی را تدوین کنند. بسیاری از این دانشنامه‌ها به موضوع این جلسه، یعنی دانشنامه مهندسی در ایران مربوط است. این مرکز در نظر دارد از تجارب مراکز دیگر در این زمینه و فعالیت آنها هم استفاده کند. این هم‌افزایی قطعاً کمک می‌کند که این دانشنامه جامع‌تر، کامل‌تر و سریع‌تر به نتیجه برسد. در کنار دانشنامه‌هایی که داخل کشور داریم در خارج از ایران هم دانشنامه‌های رشته مهندسی البته بیشتر با تأکید بر رشته‌های معماری وجود دارند، مثلاً راهنمای کامل برای معماری از روزگاران باستان تا قرن نوزدهم به‌صورت نسخه چاپی در دست است که البته دانشنامه قدیمی است.

دایرةالمعارف درباره جزئیات معماری داخلی و بومی وجود دارد. مجموعه‌ای که دانشگاه آکسفورد آماده کرده، دایرةالمعارف هنر اسلامی و معماری که البته این دایرةالمعارف بعد از نسخه‌های نخست، به‌صورت اینترنتی یا دیجیتالی قابل استفاده است.

چند نمونه دیگر هم در حوزه غیرمعماری وجود دارند، مثل دایرةالمعارف انتشارات جان واپلی در خصوص مهندسی برق و الکترونیک که مجلدات فراوانی دارد. بعد از سال ۲۰۰۱ م دیگر نسخه چاپی این دایرةالمعارف وجود ندارد و فقط نسخه دیجیتالی دارد. این دانشنامه به‌صورت موضوعی طبقه‌بندی شده و مداخل مختلف قابلیت جست‌وجو دارند.

پدیده جدیدی که با آن مواجهیم، دایرةالمعارف آزاد آنلاین ویکی‌پدیا است. این مجموعه در سال ۲۰۰۱ بنیان نهاده شد و نزدیک به چهل میلیون مقاله (عددها خیلی متفاوت با چیزهایی است که ما در قالب دایرةالمعارف‌های چاپی می‌بینیم) به سیصد زبان در این دایرةالمعارف وجود دارد. نزدیک به پنج‌ونیم میلیون مقاله به زبان انگلیسی است و سهم مقالات فارسی آن در حدود ششصدهزار نسخه است (البته اعداد دقیق نیست و به‌صورت تقریبی است).



ترکیباتی که مداخل یا مقالات داخل این دانشنامه دارد، تقریباً در این دایره‌المعارف افزاز شده است، آنچه به موضوع این جلسه ارتباط پیدا می‌کند بحث شاخه تکنولوژی است که تصور می‌کنم در حدود ۲۰ درصد از حجم مقالات کل دانشنامه ویکی‌پدیا باشد.

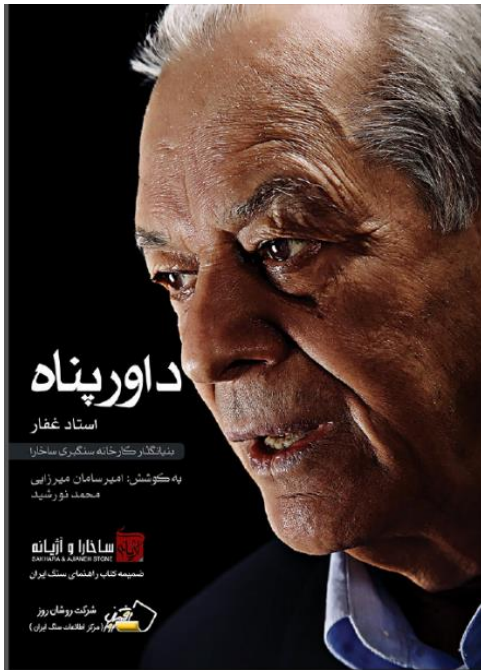
البته همه می‌دانیم که دانشنامه ویکی‌پدیا چندان معتبر نیست، اما برای جست‌وجوی ابتدایی بسیار مفید است. برای جست‌وجو در دانشنامه دو روش وجود دارد: ۱. تایپ مدخل و جست‌وجوی مستقیم ۲. استفاده از روش تقسیم‌بندی (ساختار)؛ مثلاً اگر ما در مورد نمایشگر کامپیوتر می‌خواهیم تحقیق کنیم غیر از جست‌وجوی مستقیم می‌توانیم دسته مورد نظر را دنبال کنیم و مثلاً در مدخل کامپیوتر، به نمایشگر برسیم و موضوع مورد نظر را پیدا کنیم. خصوصیت دیگر ویکی‌پدیا این است که ساختار، واحد نیست، یعنی مثلاً مدخل نمایشگر را لزوماً در زیر یک دسته‌بندی خاص نمی‌بینید؛ دسته‌بندی، دسته‌بندی پیچیده‌تری است و با چند روش می‌توانید به این مدخل برسید. اگر بخواهیم درباره نیاز و کاربرد دانشنامه مهندسی در داخل کشور صحبت کنیم سعی می‌کنم با ذکر مثالی خودم را به‌عنوان یک پرسشگر قرار بدهم. فرض کنید من یک دانشجوی معماری هستم که استادم به من وظیفه داده درباره میدان آزادی تحقیق کنم. نخستین مرجع بیشتر دانشجویان و محققان، اینترنت و گوگل است. کسی که دارد جستجو می‌کند چه مسیری را دنبال می‌کند؟ با جست‌وجوی میدان آزادی در گوگل، اولین چیزی که دیده می‌شود توضیح یا مدخلی است که ویکی‌پدیا در این زمینه آماده کرده. طبیعتاً اولین گزینه انتخابی این شخص، همین توضیح ویکی‌پدیا است که مثلاً توضیح داده نام قدیمی اش برج شهید و معمارش آقای حسین امانت بوده است.



بخش‌های مختلف میدان و تاریخچه‌اش ذکر شده، درباره معماری آن صحبت شده و توضیح داده شده که کارهای



سنگین ویژه‌ای در این بنا انجام گرفته است. فضاهای داخلی آن بررسی و توضیحاتی هم ارائه شده است که به‌عنوان دید اولیه، منبع فارسی خوبی برای این دانشجو خواهد بود. این دانشجو می‌تواند از امکانات دایره‌المعارف بزرگ اسلامی هم استفاده کند. او می‌تواند مدخل برج آزادی را تایپ کند و در دانشنامه ایران مدخلی با این عنوان را بیابد و نیز این صفحات را دانلود کند.



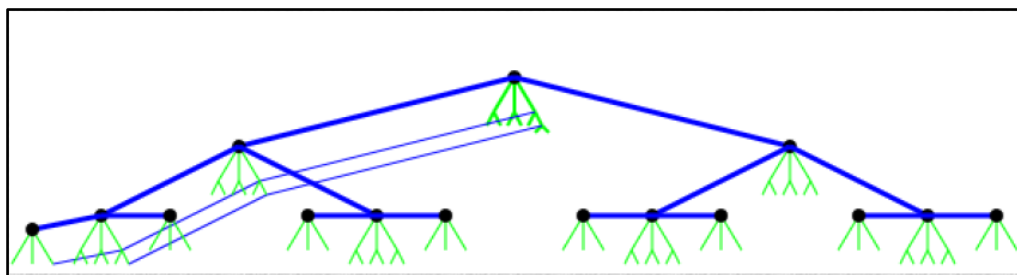
او اگر برج آزادی را به صورت انگلیسی جستجو کند، تقریباً مطالبی مشابه آنچه در ویکی‌پدیای فارسی وجود دارد، در مدخل انگلیسی آن هم بیابد؛ البته متأسفانه مدخل انگلیسی از مدخل فارسی کامل‌تر است. در انتهای توضیحات بخش انگلیسی، درباره کارهای سنگی این بنا توضیح داده شده و اشاره شده که شخصی به اسم قنبر رحیمی حضور داشته که به او سلطان سنگ ایران می‌گویند و مجسمه‌ای از او حتی در یکی از میدان‌های کشور ایتالیا وجود دارد؛ از آقای غفار داورپناه هم یاد شده و توضیحاتی داده شده است؛ اما این کلیدواژه‌های قنبر رحیمی و غفار داورپناه، در ویکی‌پدیای فارسی اثری از آنها نیست، در انگلیسی هم قابل کلیک کردن نیستند. دانشجوی معماری طبیعتاً می‌تواند ادامه تحقیقات خود را از مراجع دیگر پیگیری کند.

در گزینه بعدی خود را به جای یک دانشجوی معدن قرار می‌دهیم که از او خواسته‌اند درباره سنگ‌های ساختمانی تحقیق کند و استادش به او کلیدواژه میدان آزادی را داده است؛ ما می‌دانیم که میدان آزادی به لحاظ کارهای سنگی که در آن انجام گرفته، یکی از نقاط عطف در این صنعت است. این دانشجو هم طبیعتاً کلیدواژه میدان آزادی را جست‌وجو می‌کند و همین مطلب را می‌بیند و اتفاقاً در ویکی‌پدیای انگلیسی با اسم آقای قنبر رحیمی و آقای غفار داورپناه برخورد می‌کند، ولی اینها قابل کلیک کردن نیستند. طبیعتاً باید برگردد و در زمینه کلیدواژه‌های فارسی موجود جست‌وجو کند. او درباره آقای قنبر رحیمی توضیحاتی را می‌بیند؛ سایت‌هایی هم وجود دارد، صفحه مربوط به آقای قنبر رحیمی را باز می‌کند که در آن توضیح داده شده که ایشان که بوده و کجا متولد شده و باز هم تأکید می‌کند که یک مجسمه یادبود از ایشان در ایتالیا هست. برای من جالب بود که ببینیم این مجسمه واقعاً در ایتالیا هست یا نه.

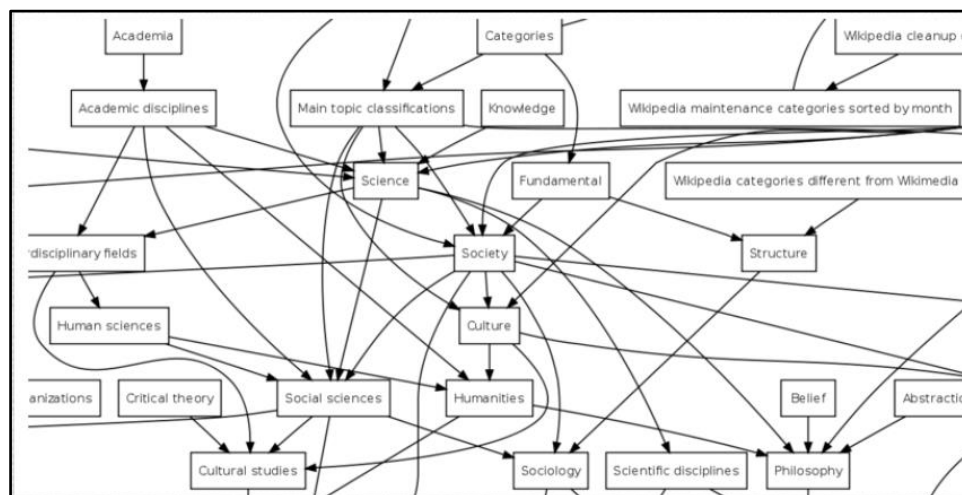
اغلب صفحاتی که در فضای مجازی فارسی وجود دارند، همین جمله را تکرار کرده‌اند که مجسمه‌ای از ایشان در ایتالیا هست، ولی هیچ کسی، هیچ آدرسی از این مجسمه نداده که کمی جای سؤال دارد که واقعاً این مجسمه وجود دارد؟ من دانشجوی رشته معدن هستم، دارم در این زمینه تحقیق می‌کنم. اگر توجه کنید در ویکی‌پدیا نوشته که در این موارد، کمی بحث شده و اشکالاتی وجود دارد. مراجعه می‌کنیم تا ببینیم که بحث چه بوده است؛ می‌بینیم که نوشته مشترکی در این زمینه وجود داشته، قرار بوده که تصمیمی گرفته شود. تصمیم این بوده که بماند. یعنی این مدخل داخل این دانشنامه بماند. در پایینش هم نوشته که درجه اعتبارش کم است. تصور بفرمایید ما دانشنامه‌ای داشتیم که می‌شد به آن اتکا کنیم و چنین صفحه‌ای را در این مورد نمی‌دیدیم. این دانشنامه قابلیت اتصال داشت مثل ویکی‌پدیا، من در مورد میدان آزادی جستجو می‌کنم، اسم آقای قنبر رحیمی، معروف به ارباب قنبر را می‌بینم، اینجا می‌توانم روی آن کلیک کنم و به موضوع ایشان بپردازم و در ضمن خیالم راحت است که اگر آنجا نوشته است «مجسمه‌ای از ایشان در ایتالیا هست» واقعاً وجود دارد.

برای خودم جالب بود و پیگیری کردم، خود آقای غفار داورپناه مجموعه‌ی خاطراتشان را منتشر کردند. اتفاقاً از ایشان هم این سؤال را پرسیدم، چون ارتباط خوبی با آقای قنبر رحیمی داشتند. پرسیدم بالاخره آیا این مجسمه وجود دارد یا خیر؟ (ایشان گفتند کتابشان را می‌توانیم مطالعه کنید). گفتند من هم شنیده‌ام، ولی به‌طور موثق چیزی در این مورد نمی‌دانم؛ توضیح دادند که ایشان در ایتالیا مشهور بوده و مغازه‌ی مخصوص داشته و... خلاصه توضیحات مفصلی در این زمینه دادند. دانشنامه‌ی مهندسی در ایران لازم است؛ به این ترتیب به نظرم لازم است به‌عنوان مهندس بین موضوعات مختلف بچرخیم و بسیار خوشایند خواهد بود که دانشنامه‌ای وجود داشته باشد؛ البته مرجعی که ناقص یا نامعتبر نباشد. به نظر من به این دانشنامه نیاز است. به نظر من کاربرد این دانشنامه متفاوت با آنچه در مثال‌های اول دیدیم، اتصال دادن رشته‌های مختلف مهندسی به همدیگر است.

براساس توضیحی که درباره‌ی ویکی‌پدیا و دانشنامه‌ها دارد، دو ساختار وجود دارد. ساختار درختی و ساختار پیچیده.



ساختار درختی



ساختار پیچیده

ویکی‌پدیا از ساختاری استفاده کرده است و دانشنامه‌های ما از ساختاری استفاده کرده‌اند (ساختار درختی). این درخت ممکن است براساس موضوع یا حروف الفبا باشد. هرکدام از اینها مزایا و معایبی دارند که ترجیح می‌دهم از آنها عبور کنم. غیر از بحث ساختار پیچیده درختی، دانشنامه‌ها دسته‌بندی دیگری هم دارند. دانشنامه‌های الکترونیکی با مزایا و معایبشان و دانشنامه‌های چاپی. از مزایا و معایب این دو گزینه هم صرف‌نظر می‌کنم. بیشتر دانشنامه‌های داخلی، چاپی هستند و ساختار درختی دارند. به نظر می‌رسد در وضعیت موجود و در عصر جدید بهتر است که ما به این ساختار پیچیده

و دانشنامه‌های الکترونیکی که طبیعتاً قابلیت تبدیل شدن به دانشنامه‌های چاپی را هم دارند رو بیاوریم. تصور می‌کنم به این ترتیب با انتخاب ساختار پیچیده و استفاده از دانشنامه‌های الکترونیکی می‌توانیم برای جامعه مهندسی مفیدتر باشیم. پیشنهاد می‌کنم این دانشنامه، به صورت سایت باشد تا بشود به آن مراجعه کرد. امروزه متأسفانه خرید کتاب بسیار سخت شده و خرید دایرةالمعارف به طریق اولی، سخت‌تر شده است. مجموعه‌ای از مجلدات رو کمتر کسی، اگر هم بخرد به آن مراجعه می‌کند. پیشنهاد من این است که این دانشنامه در قالب یک سایت ارائه شود. یک ماکت را برای این سایت پیشنهاد داده‌ام که البته عرض کردم در قالب یک ماکت است؛ طبیعتاً اساتید اینجا همه صاحب سبک و هنرمندند.

فرض شده است که در این دانشنامه می‌توانیم به سه روش جست‌وجو کنیم؛ مشابه دانشنامه ویکی‌پدیا مدخل مورد نظر را جست‌جو می‌کنیم. باید بتوانیم از ساختار درختی استفاده کنیم؛ چه فهرست الفبایی، اگر قرار است ساختار الفبایی باشد و چه فهرست موضوعی.

موضوعات می‌توانند به وسیله رشته‌های مهندسی افزاز شده باشند. یعنی همه رشته‌های مهندسی اینجا حضور داشته باشند، با انتخاب هر کدام از اینها موضوعات مربوط را ببینیم. مثلاً فرض کنید که اگر در مورد موضوعی در رشته معماری جست‌وجو می‌کنیم، بتوانیم رشته معماری را انتخاب کنیم. طبیعتاً این سایت بخش‌های دیگری هم دارد (مشابه بقیه سایت‌ها مثلاً بخش اخبار و تازه‌ترین‌ها و برترین‌ها و به‌روزترین‌ها) اینها را هم می‌شود در این قالب تعبیه کرد. توضیحاتی در مورد این مجموعه باید داده شود و باید معرفی شود (ساختارش، شوراها علمی که در آن وجود دارد، اینها باید معرفی شود. اگر کسی بخواهد در اینجا جست‌وجو کند، مثلاً فرض کنید اگر رده معماری را انتخاب کند باید قاعداً نشان دهد که زیرمجموعه معماری چه رده‌هایی وجود دارد. می‌توانیم دسته‌های زیادی را تعریف کنیم. آیا در زیرمجموعه معماری قبل از تقسیم‌بندی مدخلی وجود دارد؟ مداخل مختلف را ببینیم. مثلاً فرض بفرمایید که من در رده‌هایی که زیرمجموعه معماری هست، ساختمان‌ها و سازه‌ها را باید ببینم. اگر این رده را انتخاب کنم، باز مجموعه‌ای از رده‌ها اینجا دیده می‌شود، مجموعه‌ای از صفحات اینجا دیده می‌شود. علاقه دارم لغت مسجد را ببینم، باز در تقسیم‌بندی مسجد، یک صفحه مسجد وجود دارد و مثلاً در مورد مدخل مسجد صحبت شده؛ در مدخل مسجد کلیدواژه‌های دیگری هم هست که می‌شود روی آنها کلیک کرد. این اتصال مشابه ویکی‌پدیا برقرار می‌شود (البته معتبر). هر کدام از این صفحات قسمت‌های مختلفی دارد. تصاویر پیشنهادی دارد و می‌توان در انتهای توضیح مربوط به این مدخل منابع را ذکر کرد. می‌تواند تقدیرنامه داشته باشد، یعنی (در قالب پیشنهاد است البته) ممکن است تصمیم گرفته شود اسپانسر برای تهیه این دانشنامه یا مدخل در نظر گرفته شود که می‌شود از آن اسپانسر تشکر کرد. آن تقسیم‌بندی پیچیده (مسجد به چه چیزهای دیگر ربط دارد؛ در چه رده‌بندی‌های دیگری هست) را می‌شود در اینجا به آن اشاره کرد. من مقاله را می‌خوانم. مقاله غلط دارد و من یک صاحب‌نظرم و به نظرم می‌رسد که اشکالاتی وجود دارد، می‌توانم نظر خودم را ثبت کنم و از دانشنامه مهندسی در ایران بخواهم به نظرم توجه کند. طبیعتاً هر کس نظرش را ثبت کند، لزوماً نظر صحیحی نیست، برای همین بهتر است کسی که می‌خواهد از این دانشنامه استفاده کند، ثبت‌نام کرده باشد، یعنی باید برای استفاده از این دانشنامه اطلاعات خود را وارد کرده باشم؛ این دانشنامه می‌تواند رده‌های مختلف سرویس را بدهد. مثلاً سرویس رایگان و سرویس‌های

پولی؛ سرویس‌های رایگان را می‌توان به بعضی استادان ارائه داد. کسانی که ثبت‌نام کرده‌اند می‌توانند پیشنهاد بدهند که مدخل تعریف شود. من مدخلی به نظرم جالب است؛ درخواست می‌کنم از دانشنامه که مدخل را تدوین کند، مدخلی وجود دارد و اعلام می‌کنم که می‌توانم این را تعریف کنم، درخواستم را ثبت کنم، اعلام کنم چه کسی هستم و سوابقم چیست و از دانشنامه درخواست می‌کنم بررسی کنید که من صلاحیت تدوینش را دارم، خودم را صاحب صلاحیت می‌دانم، تصور می‌کنم که این روش برای تسریع در تدوین دانشنامه می‌تواند مؤثر باشد. چند پیشنهاد هم در قالب جمع‌بندی نوشته‌ام، پیشنهاد می‌کنم که در تهیه این دانشنامه جامعیت داشته باشیم، بیشتر دوستانی که حتی در این جلسه حضور دارند، به رشته معماری مرتبط هستند و صد البته این دوستان بیشتر تعریف کردند، بیشتر مشارکت داشتند؛ ولی به نظرم برای تهیه دانشنامه مهندسی بقیه رشته‌ها هم باید حضور داشته باشند، تهیه‌کنندگان باید به این موضوع حتماً توجه کنند. پیشنهاد می‌کنم که این دانشنامه به صورت الکترونیکی و با ساختار پیچیده تهیه شود.

محمودی

با تشکر از آقای دکتر توافقی، دانشنامه الکترونیکی به کاغذی ارجحیت دارد، به چند دلیل: کاغذ کمتری هدر می‌رود، با سرعت بیشتری در اختیار عموم قرار می‌گیرد و در صورت نیاز به راحتی می‌شود نسخه چاپی آن را نیز منتشر کرد، در حالی که برعکس آن دشوارتر است. دعوت می‌کنم از آقای دکتر گلابچی برای سخنرانی.

گلابچی

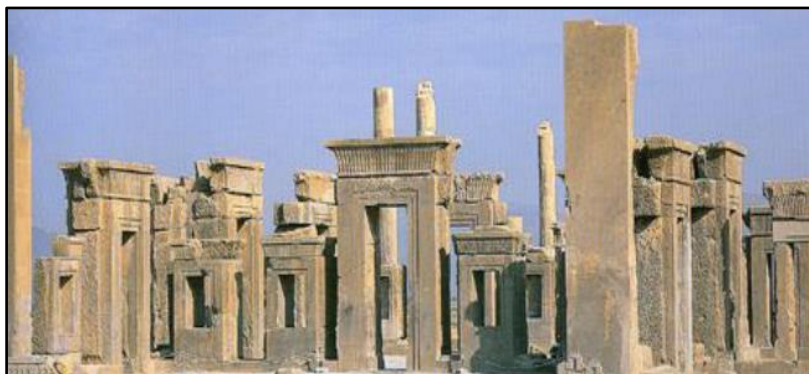
نیاز و کاربردهای دانشنامه مهندسی چیست؟ چرا باید دانشنامه مهندسی تدوین شود؟ چه درس‌هایی باید از آن گرفت؟ کدام یک از مشکلات کشور با این دانشنامه حل خواهد شد؟ اقدام بزرگ دکتر محمودی در این زمینه یک گام بزرگ برای رسیدن به رفع کدام نیاز کشور است. پیشینه فناوری در ایران و نگاهی به گذشته ایران و شناخت مهندسی آن و کارنامه درخشان ایران در این حوزه. ضرورت ایجاد دانشنامه مهندسی در ایران عبارت است از:

۱. مروری بر پیشینه معماری و مهندسی ایران؛

۲. نقش ایران در توسعه فناوری و مهندسی در جهان؛

۳. کیفیت ساختار مهندسی در ایران امروز؛

نشان دادن آثاری از معماری ایرانی، تخت جمشید، ایوان مداین، گنبد قابوس، تخت جمشید با تمدن بیش از دوهزارساله‌اش و ویژگی‌های برجسته آن، ایوان مداین که اگر برای خاقانی آیینة عبرت بود، برای ما نمونه بی‌نظیری در معماری است.



اینکه یک طاق شلجمی با ارتفاع و دهانه و عمق زیادش در طی ۱۵ قرن این چنین پابرجا باقی مانده مایه افتخار ماست. در سلطانیه که گنبد هشت ترک در یک بنای آرامگاهی و با ارتفاع ۵۱ متر قرار دارد، شاهد اوج طراحی و فناوری و مهندسی گنبد هستیم و اینکه تنها روش پوشش دانه‌های بزرگ در طول قرن‌های متوالی بود. اوج عظمت سلطانیه وقتی درک می‌شود که آن را با سانتا ماریا دل فیوره (کلیسای اصلی شهر فلورانس ایتالیا) مقایسه کنیم.



مارکوپولو در طی سفر خودش به ایران این گنبد در شهر زنجان را به‌خوبی تشریح کرده است و... در طراحی گنبد سانتا ماریا دل فیوره از آن بهره می‌برد.

دومرتبه همین طراحی را در گنبد قابوس با ارتفاع ۵۶ متر که مشابه یک ساختمان هفده طبقه امروزی است می‌بینیم. این بنا از خشت و گل و آجر ساخته شده و نیز استوانه با مقطع متغیر در زمینه انرژی‌های پاک و تأمین انرژی نمونه‌هایی چون خانه بروجردی‌ها، علوی‌ها و طباطبایی‌ها در شهرهایی چون کاشان، یزد، شهرهای حاشیه کویر و شهرهای جنوبی را می‌بینیم. نقش بادگیرها که می‌توانستند دمای خانه را در جهت آسایش به ۲۲-۲۴ درجه برسانند، درحالی‌که دمای فضای بیرون دمایی ۴۸ درجه است.

پل فضاها، مثل سی‌وسه‌پل که فقط برای اتصال دو سر رودخانه به هم نیست، بلکه فضایی برای حضور انسان‌هاست که این مفهوم مورد توجه جهانیان قرار گرفته است.

مسجد امام اصفهان، مقرنس کاشی‌های هفت رنگ فرم زیبا و تناسب سردر، نیروهای رانش که به‌وسیله گلدسته‌های دو طرف مهار می‌شود. گنبد که بیانگر معماری، سازه و تأسیسات آن زمان است که نه‌تنها شرایط داخل را تأمین می‌کند که از خارج نیز فضای دعوت‌کننده را فراهم آورده است.

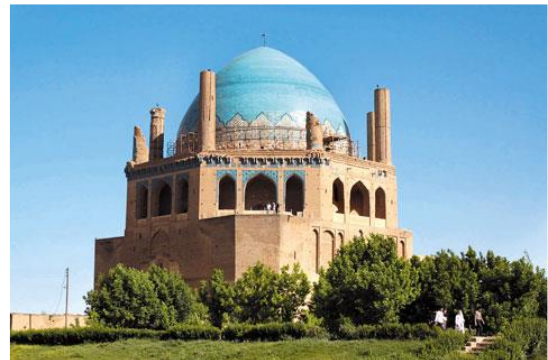


میدان نقش جهان که چهار رکن اصلی جهان بینی ایرانی - اسلامی آن زمان را نشان می دهد؛ حکومت، مذهب، اقتصاد و آموزش در چهار وجه آن وجود دارد. این جنس کارها از یزد و قزوین تا مشهد و حرم امام رضا (ع) به چشم می خورد.

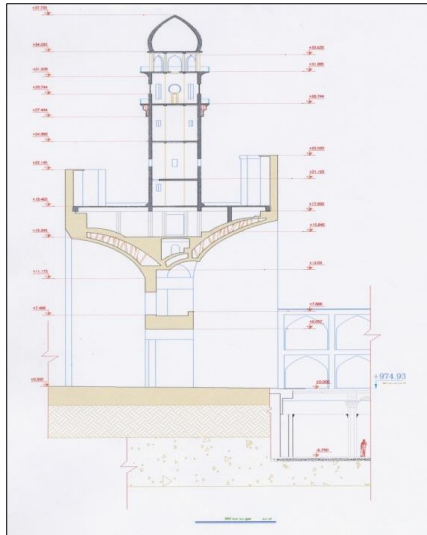


دوازده کشور اطراف ایران را نیز باید بررسی کنیم، برای مثال تاج محل تأثیر گرفته از معماری ایرانی است و علاوه بر آن با نگاهی به جهان نقش عظیم ایران در گسترش فناوری و معماری را شاهدیم؛ از ابزار جراحی تا دستگاه انتقال آب، ابزار نجوم و...؛ در ده حوزه به یافته ها اشاره می کنیم، معماری و ساختمان، آبیاری، مهندسی منابع آب، ریاضیات، هیئت و نجوم، فیزیک و شیمی و جغرافیا، صنایع دستی، هنر کاشی کاری، صنعت فرش و مانند آن، مهندسی شهرسازی، توسعه فضاهای شهری، تسلیحات نظامی.

در معماری، گنبد و فناوری و روش مهندسی برای پوشش دهانه های بزرگ در طول تاریخ پیشگام بوده ایم؛ گنبد های دو پوسته گسسته و پیوسته که در جهان نمادی برای توسعه مهندسی و فناوری بود؛ مثال هنر و ترکیب در شیخ لطف الله.



مناره ها که ارتفاعی معادل ساختمان های چند ده طبقه دارند و قرن هاست که باقی مانده اند؛ مانند گنبد قابوس که بیشتر اشاره شد. امروزه با نرم افزارهای پیشرفته تحلیل می کنند و دریافته اند که اگر ۱۰ درصد ضخامت بدنه کمتر می شد یا نسبت ارتفاع به عرض ۸ درصد تغییر می کرد، بنا پایدار نمی ماند.



همهٔ این موارد با هوشمندی برگزیده شده‌اند و ماحصل آن پایداری در طی ۸۰۰ سال است. این موارد تنها مختص سازه‌های آجری نیست، بلکه سازه‌های چادری را نیز شامل می‌شود که ما در آن نیز سابقهٔ درخشانی داریم. در طی لشکرکشی‌های پادشاهان ایران شاهد طراحی هوشمندانه‌ای از نظر فرم، فضا و زمان در همین چادرها هستیم. امروزه نیز مسکن عشایر ما چه در تابستان و چه در زمستان همین است.



در آبیاری و مهندسی منابع آب نیز ایرانیان دستگاه‌ها، روش‌ها و فناوری خاص خود را داشتند، مانند قنات و پمپ. سیستم عملکردی پمپ به این نحو است؛ امکان انتقال آب از تراز پایین به تراز بالا با چرخش روی محور و نیز دورانی که حرکت افقی را به عمودی تبدیل می‌کند، فراهم می‌شود که مشابه عملکرد سیلندر و پیستون خودروها است. از جمله کارهایی که در زمینهٔ مخازن و سدها انجام گرفته می‌توان به تکنولوژی فواره اشاره داشت که جریان آب یک چرخ‌دنده را به صورت افقی حرکت می‌دهد و سپس از طریق یک محور به جریانی عمودی تبدیل شده و سبب فوران آب به شکل‌های مختلف می‌شود. نمونهٔ آن را می‌توان در باغ فین و باغ شازده مشاهده کرد که در مغرب‌زمین نیز بعدها از آن استفاده شد.



ماشین بالاکننده آب اختراع شده توسط ایرانیان

در ریاضیات، دانشمندان بزرگ ما کارهای بزرگی را برای جهان امروز انجام داده‌اند. برای مثال حل معادله درجه دو از خوارزمی، مبنای ریاضیات در معماری، نجوم و کهکشان‌ها و...

از جمله دانشمندان برجسته ما که در جهان شناخته شده‌اند می‌توان از ابن سینا، نام برد. سازمان ملل سه سال پیش را به دلیل کتاب مشهور قانون او و فعالیت‌های گسترده‌اش سال جهانی ابن سینا نامگذاری کرد. سال پیش سال جهانی نور بود، به دلیل فعالیت‌های الخازن (ابن هیثم) که بنیانگذار فیزیک نور (انکسار نور، چشم انسان و...) در جهان است. ابوریحان بیرونی متأسفانه در کشور ما فقط در حد نام شناخته شده، درحالی که در حوزه‌های گوناگونی فعالیت داشته است.

شرایط امروزه ما چگونه است؟ ساختمانی در محله سعادت‌آباد در حین ساخت فرو می‌ریزد و ۲۶ نفر کشته می‌شوند چرا با وجود این حجم از پیشرفت در علوم مختلف و مهندسی، یک ساختمان در حال ساخت باید فرو بریزد. کیفیت نامناسب ساختمان‌ها و ناتوانی در برابر زلزله. در کشوری که ۷۶ درصد آن جزء نقاط پرخطر است، ما جامعه را بی‌پناه رها کرده‌ایم. طبق تحقیقات آماری کشور ما هر دو سال یک بار زلزله‌ای به بزرگی بیش از ۶ ریشتر و هر ۱۰ سال یک بار زلزله‌ای به بزرگی ۷ ریشتر و بیشتر را تجربه می‌کند. برای مثال به زلزله بم توجه کنید. نه تنها بزرگ‌ترین سازه خشتی جهان به تلی از خاک تبدیل شد که ده‌ها هزار از نیروهای انسانی ما از بین رفتند. اینکه بسیاری از بناهایی که در عصر حاضر ساخته شده بودند (سال ۱۳۸۲) این چنین تخریب شدند نشان می‌دهد که مهندسی معاصر با شکست مواجه شده است و به این ترتیب و با ذکر همه این مثال‌ها، ضرورت تهیه دانشنامه مهندسی به خوبی مشخص می‌شود.

محمودی

آقای دکتر گلابچی در همان دقایق اول صحبتشان اشاره فرمودند که دوباره باید به قله مهندسی برسیم و بعد به زبان‌های مختلفی نشان دادند که واقعاً روی آن قله بودیم و یک نمونه‌اش همان بنای گنبد کاووس است که ۸۰۰ سال پابرجا مانده است؛ بی‌مهری بسیار زیاد شده و حتی تصویری هم که نشان دادند رطوبت از پایین گرفته و در بالا سبز شده و همین گنبد کاووس به نظر من کل دانشنامه مهندسی در ایران است. یعنی سازه دارد، هویت دارد، نجوم را دارد، مکانیک آن زمان را دارد، برق آن زمان را دارد که برقی نبوده، که می‌دانسته چگونه باشد و هویت داشته و تکنولوژی خودش را

داشته باشد. همین‌طور نمونه‌های بسیار زیادی که آقای دکتر نشان دادند. من تصورم این است که اگر همه عزیزان اینجا خارجی بودند و تصاویری را که آقای دکتر گلابچی نشان دادند برعکس نشان می‌دادند، آنها می‌گفتند چه ملتی هستند، اول بناهایشان این‌جوری می‌ریخته و بعد چگونه رشد کردند و بعد چگونه رسیدند به آن بناهایی که پابرجاست و حقیقتش چون ما ایرانیان را می‌شناسیم، می‌بینیم اتفاقاً برعکس رفتیم جلو و به طرق مختلف آقای دکتر اشاره کردند که نیاز و کاربرد دانشنامه مهندسی چیست و تأکیدی هم داشتند در صحبت‌هایشان که واقعاً دانشنامه معماری نیست، بلکه دانشنامه مهندسی است که معماری هم جزوی از آن است و در بناهای قدیمی‌مان هم می‌بینیم که همه رشته‌ها در درونشان بوده، ولی امروزه کاملاً شاخه‌ها جداست و من زیاد مثبت نمی‌بینم که بیشتر عزیزانی که اینجا تشریف دارند، معمارند. دعوت می‌کنم از سومین سخنران جناب آقای دکتر مصطفی کیانی تشریف بیاورند.

کیانی

با نام و یاد خدای بزرگ و مهربان، سلام و درود می‌فرستم به همه عزیزان، اندیشمندان و استادان گرامی و فرهیختگان و همچنین دانشجویان عزیز که در این نشست حضور پیدا کردند. موجب افتخار بنده است که در جمع شما و در خدمت شما هستم و حضور پیدا کردم در اولین نشست مرتبط با دانشنامه مهندسی در ایران.

قبل از هر چیز سپاسگزاری می‌کنم از جناب آقای موسوی بجنوردی با همت والایشان (اقدامشان و همتشان) که برای تدوین دانشنامه مهندسی در ایران قدم گذاشتند و این مسئله را بنیانگذاری کردند و همچنین از آقای دکتر محمودی عزیز که همه تلاش‌هایشان بر این بود که این نشست‌ها و این برنامه‌ها شکل بگیرد و این موضوع را در حقیقت تقبل کردند. بنده صحبت‌م را در وقتی که دارم بیان می‌کنم (پاورپوینت به موقع آماده نشد ولی بیشتر مطالبم گفتاری است تا تصویری). تشکر می‌کنم از آقای دکتر گلابچی و آقای دکتر توافقی عزیز، که چندین مطلب را که من می‌خواستم اشاره کنم، با دقت و جامعیت بیان کردند.

در اولین نشست برای دانشنامه مهندسی فکر می‌کنم اگر به‌صورت هدفمند دو موضوع مدنظر باشد، خیلی قابل قبول و بسیار فرخنده است: نخست؛ در این نشست با صاحب‌نظران رشته‌های مختلف مهندسی در ایران آشنا می‌شویم و کار ادامه پیدا می‌کند. ان‌شاءالله در برنامه‌های بعد، در نشست‌ها، میزگردها و جلساتی که به‌عنوان شوراهای تخصصی و سیاست‌گذاری اعلام می‌شود، پیوند بهتری برقرار خواهد شد و همفکری بیشتر خواهد بود؛ دوم اینکه برنامه‌هایی که در این میزگردها و سخنرانی‌ها توسط صاحب‌نظران ارائه می‌شود، باید در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آینده دانشنامه نقش مهمی داشته باشد؛ ما یک مسیر حساب‌شده را طی می‌کنیم. اما مطلب اول اینکه هدف ما از تدوین دانشنامه یا دایرةالمعارف چیست؟ دانشنامه تعریف خاص خود را دارد؛ هدف از تدوین دانشنامه‌ها هم باید مشخص شود. مثلاً فرض کنید اطلاعات و دانش کافی و جامع درباره موضوعی که هدف یک دانشنامه می‌تواند باشد. به نظر من از همین امروز می‌شود این مسئله را پیگیری کرد که اگر قرار است دانشنامه‌ای را تدوین کنیم در سال‌های آینده که زمان هم خواهد برد، می‌توان از دل آن تاریخ جامعی از تاریخ مهندسی ایران را تدوین کرد، زیرا به هر حال دایرةالمعارف یا دانشنامه به‌صورت موضوعی با یک مسئله برخورد دارد، ولی در حقیقت تاریخ جامع یا مکتوبی که از این در بیاید یک پیوندهایی دارد که یک سلسله مراتب را از نظر زمانی یا موضوعی می‌تواند داشته باشد.

تصور می‌کنم اگر هدف دوم مدنظر است، به‌صورت جانبی است یا در آینده تدوین دانشنامه مهندسی شکل می‌گیرد. بهترین دستاوردش می‌تواند کتابی جامع از تاریخ مهندسی در ایران باشد که بسیار خوشایند و فرخنده خواهد بود. موضوع بعد، بحث واژه «ایران» در دانشنامه مهندسی در ایران است. این سؤال را ما از اول مطرح کنیم که ایران یا سرزمین ایران. وقتی با موضوعی مثل دانشنامه سروکار داریم، به‌طور طبیعی با تاریخ سروکار داریم و وقتی هم که از ایران صحبت می‌کنیم، در هر دوره تاریخی در گذشته، با یک محدوده جغرافیایی متفاوت روبه‌رو هستیم، چه از دوره مادها و هخامنشیان باشد تا اسلام، چه از صدر اسلام باشد تا دوره قاجار و چه از دوره قاجار تا به امروز به‌عنوان دوره معاصر. بنابراین ناگزیر با سرزمین ایران سروکار داریم و از فعالیت در محدوده دانشنامه به محدوده جغرافیایی سیاسی می‌رسیم و نیز به محدوده تاریخی و فرهنگی ایران.

چند نکته مطرح است: یکی اینکه محدوده فرهنگی و تاریخی ما به‌ویژه شامل کشورهای فارسی‌زبان می‌شود. ایران، افغانستان، تاجیکستان، بخشی از پاکستان و ... فارسی‌زبان هستند. کشورهایی هم در گذشته فارسی‌زبان بوده‌اند، مانند هندوستان و ترکیه فعلی (عثمانی) که در یک زمان به هر حال زبان رسمی‌اش، فارسی بوده و خط دیوانی‌اش هم فارسی بوده است. امروز در ازبکستان، در سمرقند و بخارا با مجموعه‌ای از آثار تاریخ سرزمین ایران سروکار پیدا می‌کنیم که همه‌اش امضای شخصی به نام قوام‌الدین شیرازی را دارد. اگر قرار باشد که این در دانشنامه مطرح شود، حتماً باید از محدوده جغرافیایی ایران خارج شویم و محدوده فرهنگی و تاریخی را در نظر بگیریم. دوم مناطقی است که در طول تاریخ در سیطره حکومت ایران بوده‌اند، ولی اکنون نیستند. اینها هم باید مدنظر باشند؛ گرجستان و ارمنستان و ... زمانی در محدوده سرزمین ایران بودند، به هر حال ریشه‌های مبحث مهندسی، فکر می‌کنم در این کشورها هم باید جست‌وجو شود؛ سوم اینکه ایران شامل تعداد زیادی از اقوام و قومیت‌های مختلف است.

ما با مسائل بومی، محلی و منطقه‌ای مواجهیم. همین سیاه‌چادری که آقای دکتر گلابچی به آن اشاره کردند. سیاه چادر سازه‌های مختص عشایر است و فقط در یک نقطه خاص و در بین اقوامی خاص استفاده می‌شود؛ موضوعیت خاص خودش را دارد. یا مثلاً در شمال (مازندران) چیزی به نام «سپه‌فار» هست که هم موضوعی فرهنگی است و هم سازه‌ای. از چوب ساخته شده و فقط در آن منطقه شناخته شده و در طول تاریخ کاربرد داشته است. به این سه مورد باید توجه شود.

موضوع بعدی کلمه مهندس و مهندسی است. امروزه تعریفی که از واژه مهندس وجود دارد، مختص تاریخ معاصر ماست. پیش از این در ایران، در کارهای پل‌سازی، عمران و معماری، استاد بزرگ معمار همه‌کاره بود؛ هم مهندس بوده و هم سازه را خوب می‌شناخت، هم هندسه را خوب می‌دانست، هم عارف بود، هم شاعر بود، هم پیش‌نماز بود، هم نماز شب می‌خواند، هم مسجد می‌ساخت، هم کاخ می‌ساخت و هم پل می‌ساخت. یک کلمه کامل به نام استاد بزرگ معمار بود که همه این «ویژگی‌ها» را در مهندسی و سازه در خودش داشت؛ استادکارهای دیگر هم زیر دست او کار می‌کردند. مثلاً در پل خواجه دانش هیدرولیک آب کاملاً مشخص است؛ ایستایی‌اش، سازه‌اش، فونداسیونش، معماری‌اش، توجه به شرایط اجتماعی مسیر عابر پیاده، طبقه بالا سوار بر طبقه پایین، حتی به‌عنوان فضایی برای نشستن و استراحت و لذت بردن کنار رودخانه، همه در وجود یک نفر به‌نام استاد معمار بزرگ جلوه می‌یافت.

این تفاوت‌ها در قرون اخیر ایجاد شد. کلمه‌ها و واژه‌های حرفه‌ای، تفکیک شدند؛ به‌خصوص از قرن‌های هفدهم و هجدهم به بعد این مسائل در علوم مهندسی غرب به وجود آمد، این واژه‌ها دچار این تغییرات شد. در ادبیات ما هم واژه مهندس به کار رفته، مثلاً در اشعار حافظ:

مهندس فلکی راه دیر شش‌جهتی
چنان بیست که ره نیست زیر دیر مگاک

اصولاً واژه مهندس، بیشتر در اشعار ادبیات ما برای علوم ستاره‌شناسی و نجوم، به کار رفته یا
گره ز دل بگشا و از سپهر یاد مکن
که فکر هیچ مهندس چنین گره نگشاد

به نظر می‌رسد بیشتر در بحث فضا و هندسه و اندازه و افلاک و اجرام سماوی این کلمه به کار رفته است. اما در زمینه معماری و ساختن و عمارت هم کاربرد داشته است:

طرب‌سرای محبت کنون شود معمور
که طاق ابروی یار منش مهندس شد

طرب‌سرا به‌عنوان یک فضا، معمور به‌عنوان عمارت کردن، ایجاد کردن، طاق و کلمه مهندس. اما بیشتر می‌توانیم بگوییم که هر جا حساب و کتاب بوده و دو تا چهار تا بوده و هندسه و اندازه بوده، کلمه مهندس به کار رفته است. مطلب دیگر در دوره معاصر برمی‌گردد به آن موضوع استاد بزرگ معمار. واژه مهندسی بعد از رنسانس و با آغاز عصر صنعتی رواج یافت. وقتی که علوم در رشته‌های مختلف جدا و شاخه‌شاخه شدند، واژه مهندسی در رشته‌های مختلف تفکیک شد، معماری جدا شد و بسیاری از رشته‌ها پدید آمدند. این موضوع مهمی است که باید در بحث مهندسی در دانشنامه مدنظر داشته و به اقشار مختلفی که در این حوزه پدیدار شدند، توجه داشته باشیم.

موضوع دیگر، بحث تاریخ‌نگاری است. وقتی که از دانشنامه صحبت می‌کنیم، بدون تردید ارتباط با تاریخ‌نگاری را باید در نظر بگیریم. تاریخ‌نگاری در گذشته ما و در جهان اصولاً چگونه بوده است. بسیاری از کتاب‌ها یا متونی که قبل از دوره معاصر توسط همین مؤلفان و نویسندگان تدوین و نگاشته شده، شاید خودش نوعی دانشنامه باشد. اما امروز تفاوت دانشنامه و تاریخ‌نگاری کاملاً مشخص است.

در مغرب‌زمین، چند مورد وجود دارد. نخستین مورد تاریخ‌نگاری در غرب (غرب علمی) بحث ویتروویوس و ده کتاب معماری است. این کتاب در سده نخست پیش از میلاد، اولین مکتوبی بوده که توسط ویتروویوس نوشته شده که آن هم قرن‌ها بعد در یک سردابه یا کتابخانه کلیسا پیدا شد.

کتاب ویتروویوس قدیمی‌ترین نسخه‌ای است که به‌طور مدون در قالب کتاب تاریخ‌نگاری در مورد معماری و ساختمان صحبت کرده است. از آن تاریخ تا دوره رنسانس، اتفاقی نیفتاد مگر اینکه در بعضی از کتاب‌های تاریخی به‌صورت حاشیه‌ای، به بحث هنر و معماری پرداخته شد. اولین اتفاق مهم بعد از دوره رنسانس رخ داد. این کار را آلبرتی و بعد ازاری در قرن شانزدهم انجام دادند. کار آنها این بود که شیوه تاریخ‌نویسی به‌صورت سیره‌نویسی صورت گیرد؛ یعنی زندگی‌نامه معماران نوشته شود. کتاب‌های قرن شانزدهم هم الگوی همه تاریخ‌نگاران و مورخان است. اما جریان مهمی که در قرن‌های هفدهم و هجدهم اتفاق افتاد، تأثیر باستان‌شناسی بر تاریخ معماری است. وقتی که باستان‌شناس، در حقیقت معمار، یک علم پیشرفته- در سراسر جهان به جست‌وجو می‌پردازد، شیوه کارش این است که به مورخ تکیه نمی‌کند.

کند، به کسی که اثر را آفریده (معمار و سازنده) تکیه نمی‌کند و به‌صورت یک علم تجربی با خود اثر برخورد می‌کند. چرخش جدید در قرن نوزدهم اتفاق افتاد که در تاریخ‌نگاری، بحث اصلی شخص نیست، ممکن است شخص، معمار باشد، اما بیشتر دیدگاه‌های سبکی و نگاه سبک‌شناسانه به آن می‌شود. یعنی بحث سبکی مطرح می‌شود؛ یعنی سبک معماری و سبک ساختمانی چیست و چگونه است و در کنار آن آثار و افراد سازنده آن، معرفی می‌شوند. البته در اواخر قرن نوزدهم که تا اواخر قرن نوزدهم، معمولاً در تاریخ‌نگاری، معرفی ساختمان‌های بسیار مهم و فاخر مانند کاخ‌ها، مساجد، معابد و ساختمان‌هایی که بسیار بزرگ بودند و بسیار برایشان خرج شده بود اهمیت داشت. اما از اواخر قرن نوزدهم، بناهای مربوط به زندگی روزمره مردم هم وارد کار مطالعات مورخان و تاریخ‌نویسان شد. در سده بیستم اتفاق نوینی روی داد که براساس آن، دیگر بر معماران و آثار تکیه نمی‌شد، بلکه علت مطرح شد و به چیستی و چرایی پرداخته شد. چرا فوتوریست‌ها آمدند اصلاً فوتوریست‌ها از کجا آمدند؟ چرا نابود شدند؟ چرا عمرشان کم بود؟ چرا نهضت معماری مدرن مثلاً ۹۰ سال یا ۱۰۰ سال طول کشید؟ چرا این مکتب فرو پاشید؟ چرا پست‌مدرنیسم عمرش مثلاً ۵ سال است ولی مکتب معماری مدرن، مثلاً ۸۰ سال؟ معماری دوران عالیه (مدرن عالیه) چرا و با چه اتفاقی به وجود آمد که همان دوران، میس وندروهه و لوکوربوزیه و اینها بودند در این دوره دقیقاً به چیستی، کیفیت و چرایی موضوع پرداخته شد. در نیمه قرن بیستم اولین کتاب‌های مستقل معماری نوشته شد که ذیل کتاب‌های تحلیل تاریخ هنر نیست. اولین کتاب را هم زیگفرید گیدوین ارائه کرد که صرفاً با تحریر خاص خود، به معماری پرداخت. بعد هم در اواخر قرن بیستم در حدود سال ۱۹۷۰، بحث انتقادی وارد تاریخ‌نگاری شد و تحلیل و نقد و نگاه رویکردی انتقادی مطرح شد که در کتاب تافوری بیشتر این مطلب مد نظر است. اوضاع در غرب این‌گونه بود، اما در ایران چه اتفاقی افتاد؟ می‌دانیم که در ایران، سنت نوشتاری در معماری، دچار ضعف است و بیشتر کارهایی که در تاریخ آثار معماری و ساختمان‌های ما هست. امضاهایی که دارد که یا «لاحقر» است یا کوچک‌ترین است یا کم‌ترین است. نمی‌خواستند فخرفروشی کنند؛ به همین دلیل، اطلاعات مکتوبی معمولاً وجود ندارد. در تاریخ گذشته ما کسی نیست که مطلب مشخصی به‌عنوان تاریخ‌نگار بنویسد یا در مورد موضوعی چیزی نوشته شود. البته در حاشیه آثار افرادی مثل ناصر خسرو، ابن بطوطه، رشیدالدین فضل‌الله یا بیهقی، به موضوعاتی مثل معماری و ساختن بنا پرداخته شده یا در دوره معاصر که بیشتر جهانگردان غربی این کار را انجام داده‌اند. بیش از آن هم، کلاویخو در دوره تیموری یا شاردن در دوره صفوی یا دیولافوا که همگی سفرنامه نوشتند، اینها تاریخ‌نگاری و تاریخ نامه محسوب نمی‌شود.

اولین کارهای جدی و مبتنی بر روش علمی در زمان پهلوی دوم صورت گرفت؛ مثل باستان‌شناسی هرسلر یا آندره گدار که مجموعه ایران باستان را تدوین کرد که مختص معماری بود؛ در ادبیات نیز ادوارد براون بود؛ تاریخ‌نگاری موضوعی نیز در حقیقت با ویل دورانت شروع شد که در این مجموعه قرار می‌گیرد.

بنابراین دسته‌بندی تاریخی غرب چهار پنج نوع بود. اما در ایران بیشتر نظام سلسله‌ها و حکومت‌ها مطرح است و بحث سبک‌شناسی و سیره‌نویسی مطرح نیست. اینهایی که غربی‌ها داشتند و ما بیشتر، مثلاً معماری دوره صفوی، معماری دوره سلجوقی، معماری پیش از اسلام، معماری پس از اسلام و ... که هنوز هم غالب است. در چند دهه قبل استثنائاً آقای

پیرنیا، شیوه‌نامه تاریخ‌نگاری را براساس سبک مطرح کرد؛ یعنی ایشان معتقد بودند که ما در هنر نقاشی سبک هرات داریم، در ادبیات سبک رازی داریم، سبک هندی داریم، سبک اصفهانی داریم در معماری هم همین هست و ایشان این تقسیم‌بندی‌ها را ارائه کردند و آخرین تقسیم‌بندی را هم در دوره قاجار به بعد به‌عنوان سبک تهرانی مطرح کردند. اما همچنان بیشترین توجه هنوز به دلایل خاص خود بحث سلسله‌هاست و حاکمیت پادشاهان و حاکمان بر کشور؛ چند نکته را هم در آخر اشاره می‌کنم و صحبت‌م را تمام می‌کنم. پرداختن به دانشنامه مهندسی بسیار میمون و مبارک است، من حقیقتاً این را درباره معماری می‌گویم، ما وقتی از معماری صحبت می‌کنیم، بیشتر بحث مهندسی آن مطرح می‌شود. «دانشنامه مهندسی در ایران»، اما هنر معماری چه؟ چطور می‌توانیم در این دانشنامه وارد هنر معماری شویم. من پیشنهادی دارم، زیرا الآن واقعاً این بحث جدا نشدنی است که جناب آقای موسوی بجنوردی که پیشنهاد داده بودند، البته تلاش‌هایی قبلاً صورت گرفته، کتاب‌هایی هم بیرون آمده از دایرةالمعارف‌ها؛ ولی اگر بخواهیم محل مستقلاً مثل دانشنامه مهندسی در ایران داشته باشیم، فکر می‌کنم باید به فکر دانشنامه هنر بود.

اینجا دیگر که وارد بحث می‌شود، مجبوریم به دانشنامه از منظر مهندسی فقط توجه کنیم و بسیاری از مباحث معماری در بحث هنرها است که آن هم گستردگی بسیار زیادی دارد که خودش وسیع است، مثل مهندسی. موضوع دیگر این است که اخیراً در دانشگاه‌ها رشته مطالعات معماری ایران ایجاد شده (ابتدا در دانشگاه شهید بهشتی و بعد هم در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، بعد در هنر اصفهان، امسال هم در هنر تهران). هم‌اکنون در چهار دانشگاه رشته مطالعات معماری ایران وجود دارد. بسیاری از دانشجویان هم فکر می‌کنم از این رشته اینجا حضور داشته باشند. فکر می‌کنم دایرةالمعارف، مرکز دایرةالمعارف بزرگ یا دانشنامه مهندسی باید پیوند بسیار خوبی با این چهار گروه یا چهار دانشکده برقرار کند یا تفاهم‌نامه‌ای امضاء شود یا صحبتی شود تا بتوان از دانشجویان این رشته معماری (مطالعات معماری ایران) در این چهار دانشگاه در مقطع کارشناسی ارشد در این دایرةالمعارف استفاده کرد. هر جا که صنعتی و فنی هست می‌گویند باید پیوند دانشگاه با صنعت برقرار شود. فکر می‌کنم درباره دانشنامه و دانشگاه‌ها هم بتوان چنین پیوندی را برقرار کرد. توجه به دانشجویان این رشته جدید و برقراری این پیوند اهمیت دارد. بعضی از مطالبی که گفتم مسیر را مشخص کرد، بعضی‌ها هم پیشنهادی است که امیدوارم نظرهای بنده، دکتر توافقی و دکتر گلابچی و دیگران، اول در شورای عالی دایرةالمعارف و بعد در شورای سیاست‌گذاری که آقای دکتر محمودی به آن اشاره کردند یا در شوراهای تخصصی مطرح شود و افراد تعیین و به شوراها معرفی شوند و سیاست‌ها را اجرا کنند. در این میزگردها و سخنرانی‌ها احتیاج داریم که یک شاخص تعیین شود که در آن برنامه مدونی برای آینده داشته باشیم. بسیار سپاسگزارم از اینکه حوصله کردید؛ ممنون و پایدار باشید.

محمودی

جناب آقای دکتر کیانی معمار هنرمند و تاریخ‌شناس هستند. طبق اشارات ایشان باید آداب و رسوم اقوام را مورد توجه قرار داد تا مشخص شود که در کجا، چه دوره‌هایی و چرا سیاه‌چادر، سازه‌های خشتی یا سازه‌های چوبی متناسب با اقلیم و هویت آن مکان وجود دارد. سپس اشاره داشتند که در گذشته فردی را که در همه کارها سررشته داشت، استاد معمار یا استاد بزرگ معمار خطاب می‌کردند. به اعتقاد من چنانچه سایر رشته‌ها نیز در این جمع حضور می‌داشتند، به کاربرد واژه معمار در این لغت خرده می‌گرفتند، چراکه این فرد از همه رشته‌ها آگاهی داشت که یکی از آنها معماری بود.

این فرد آشنا به هویت، مردم، هنر، شعر و... بود و متناسب با تمامی این علوم به طراحی می‌پرداخت؛ بر این اساس است که کاربرد لغت معمار سبب اعتراض سایر رشته‌ها می‌شود.

در نمونه‌هایی که جناب دکتر گلابچی نشان دادند ردی از مهندسی پزشکی نیز در گذشته می‌بینیم. آقای دکتر اشاره کردند که نیاز به دایرةالمعارف هنر نیز وجود دارد. به گفته جناب آقای بجنوردی اکنون نیز برای شروع تدوین و نگاشتن دایرةالمعارف مهندسی دیر شده است، چراکه بناهای بسیاری ساخته شده و بخش مهندسی شامل خود بنا، افراد و ابزارها تا حد زیادی فراموش شده است. نکته جالب اینکه سه بزرگوار عناوین مشابهی برای سخنرانی خود حول محور التزام و ضرورت چنین دانشنامه‌ای برگزیده بودند. اکنون میزگردی داریم که به تشابهات و تفاوت‌های دانشنامه مهندسی با دانشنامه‌های عمومی می‌پردازد. در خدمت چهار بزرگوار جناب آقای کاظم موسوی بجنوردی، جناب آقای مهندس محمد بهشتی، جناب آقای دکتر ایرج اعتصام و جناب آقای دکتر اصغر ساعدسمیعی هستیم و همچنین بنده محمدمهدی محمودی که در حدود ۷۵ دقیقه تحت عنوان میزگرد به گفت‌وگو می‌پردازیم. از عزیزان دعوت می‌کنم تشریف بیاورند.

عنوان میزگرد: تشابهات و تفاوت‌های دانشنامه‌های مهندسی

محمودی: صرف‌نظر از پرسیدن سن افراد، هرگاه سخن از تجربه به میان می‌آید عدد و رقم بازگو می‌شود. طبق محاسبات بنده پنج نفر حاضر در این میزگرد دارای حدود ۲۳۰ تا ۲۴۰ سال سابقه علمی - حرفه‌ای در خصوص دانشنامه مهندسی هستند. اولین نکته این است که جناب آقای بجنوردی از سال ۱۳۶۲ با نگاه فرهنگی - هویتی کار تدوین چندین دانشنامه را آغاز کردند و برای اولین سؤال ایشان را مورد خطاب قرار می‌دهم. جایگاه دانشنامه مهندسی در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی که تاکنون دانشنامه‌های زیادی را تدوین کرده چیست؟ با توجه به ماهیت مهندسی این دانشنامه آیا تدوین چنین دانشنامه‌ای مورد نیاز است؟

بجنوردی: ضمن سپاسگزاری از حضور آقایان و بانوان در این جلسه وزین، به‌عنوان مقدمه سخن شایان ذکر است که مهندسی در فرهنگ و تمدن ما آن‌طور که باید و شاید، دیده نشده است. درحالی‌که مهندسی به اعتقاد بنده نقش برجسته‌ای ایفا نموده است. فلاسفه، ادبا و شعرا دیده شدند و همه رشته‌های علوم انسانی کمابیش مورد توجه بوده‌اند. اما مهندسان که سازندگان اصلی تمدن ما هستند کمتر دیده شدند. فضاهای فیزیکی در ایجاد اندیشه نقش مهمی دارند و بسیاری از عادات، رسوم و قوانین در رابطه با میزان پیشرفت سازه‌ها و ساختمان‌ها و سایر زمینه‌های مرتبط با مهندسی رشد کرده و نقش بزرگی را ایفا نموده‌اند. در مرکز دایرةالمعارف در ابتدای کار، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی را به سه زبان فارسی، انگلیسی و عربی تدوین کردیم که تاکنون ۲۴ جلد به زبان فارسی، ۹ جلد به زبان عربی و ۶ جلد به زبان انگلیسی با نام *اسلامیکا* چاپ شده است. در کنار آن، دانشنامه ایران که دانشنامه‌ای جهانی و عمومی نظیر دانشنامه لاروس است تألیف شده است. همچنین با توجه به نقش برجسته فولکلور در هویت ملی ما، دست به طراحی دانشنامه فرهنگ مردم در ده جلد زدیم که جلد ششم آن به زودی در دسترس قرار خواهد گرفت. در این دانشنامه همه رفتارهای آیینی مردم ایران گردآوری شده و با نظر به منابع معتبر، تمامی عناوین فولکلور در یک متن تاریخی معرفی شده است. دانشنامه‌هایی نظیر *تهران بزرگ* که تاکنون دو جلد آن تدوین شده است، *فهرست مقالات فارسی* که تدوین آن با هر مقاله فارسی که چاپ می‌شود، ادامه خواهد داشت و *فهرست‌واره کتاب‌های فارسی* که در ۱۱ تا ۱۲ جلد تدوین شده و به معرفی تمامی کتب فارسی جهان از آغاز تا انتهای قرن سیزدهم می‌پردازد نیز از تألیفات مرکز دایرةالمعارف است.

در ضمن هر یک از این دانشنامه‌ها و در حین اشاره به سازه‌ها با مسائل مهندسی برخورد کردیم و احساس کردیم که منابع ما و مطالعات روی سازه‌ها با کمبود مواجه است، ولی تلاشمان این بود که با به‌کارگیری همان منابع محدود به جمع‌آوری اطلاعات نسبتاً معتبر بپردازیم. همچنین در همین زمینه، ضمن نشست و برخاست بنده با جناب دکتر محمودی که بنای ۳۰ هزار متری دایرةالمعارف را طراحی کرده‌اند، به تدریج اندیشه الزام توجه به مهندسان که بخش مهمی از سازندگان تمدن ما هستند شکل گرفت.

البته من تسلط کامل بر تمامی رشته‌های این حوزه ندارم. روی صحبت من به‌طور کلی با تمامی جامعه مهندسان است، اما نگاه به تمامی ساختمان‌ها از دوره ایران باستان تاکنون و همچنین همه پل‌ها، سدها، قلعه‌ها، کاروانسراها و مساجد، نشان می‌دهد که باید نقش مهندسان در جامعه بیان شود. البته در این میان باید به ظرایف دایرةالمعارف‌نویسی

نیز توجه شود و باید از میان تمامی آثار موجود، گزینه‌های مناسب‌تر برای بررسی مسائل فنی انتخاب شود. برای مثال معرفی و بررسی تمامی مساجد امکان‌پذیر نیست و با در نظر گرفتن عواملی نظیر قدمت، ویژگی‌ها و... برخی از آنها به‌عنوان مدخل انتخاب می‌شوند.

البته مجموعه‌ای از مقالات کلی درباره مساجد، قلعه‌ها، کاروانسراها و... که با دید جامع و همه‌جانبه به معرفی این آثار می‌پردازند تألیف می‌شود، اما در حین معرفی هر یک از بناها، باید براساس ویژگی‌هایی که در شوراها، تخصصی تحلیل می‌شوند گزینش صورت گیرد. این ظرایف تجربیاتی است که ضمن سی‌وپنج سال فعالیت در مرکز دایرةالمعارف به‌دست آمده است. یکی از مهم‌ترین مسائل در این زمینه منابع تحقیق است، به‌طوری‌که در زمان طراحی این بنا کتابخانه‌ای با ظرفیت سه میلیون جلد در نظر گرفته شد که ظرفیت بسیار زیادی است؛ چراکه اولاً ما در ایران جایی برای گردآوری تمامی منابع نداریم و بنابراین باید دهکده‌ای با تمامی امکانات در درون خود، به‌وجود آوریم تا این امکان نیز فراهم شود. با توجه به سختی کار اکنون این کتابخانه یک میلیون نسخه کتاب را در خود جای داده است و در این مدت به یک‌سوم از راهی که در ابتدا تعیین شده بود رسیده‌ایم. در ابتدای ساخت این مرکز بودجه‌ای از سوی دولت برای کارهای پژوهشی تعیین شد که پس از مدتی به‌دلیل مشکلات مالی دولت، این بودجه قطع شد و این مرکز مسیر خودکفایی را در پیش گرفت که خوشبختانه موفقیت‌هایی در این مسیر حاصل شد و طبق محاسبات ما تا دو سال آینده به‌طور کامل خودکفا خواهیم شد. بر این اساس ما در طی این سال‌ها برای تأمین منابع تحقیق، تلاش‌های زیادی کردیم و افرادی که از نزدیک دستی بر آتش دارند، می‌دانند که این امر تا چه حد دشوار است. به‌عنوان مثال اکنون ما بیش از دویست‌هزار جلد کتب فتوکپی در اختیار داریم که حاصل جمع‌آوری منابع از نقاط مختلف داخل و خارج کشور و صحافی است و اکنون در اختیار محققان قرار دارد. ما برای نوشتن هر یک از مدخل‌های دانشنامه مهندسی، نیازمند منابع معتبری هستیم که این امر مستلزم جمع‌آوری منابع است.

محمودی: مایلم اشاره کنم که در نوبت نخست طرح این موضوع شما به این امر اذعان داشتید که مهندسی، مظلوم واقع شده است و در صحبت‌های امروztان نیز به این امر که مهندسان سازندگان اصلی تمدن ما هستند اشاره فرمودید. همچنین شایان ذکر است که مرکز دایرةالمعارف از سال ۱۳۶۲ تاکنون یک میلیون نسخه کتاب را در خود جای داده که در مقایسه با کتابخانه هنرهای زیبا با بیست‌وهفت هزار جلد و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران با هفتصد هزار جلد کتاب، رقمی بسیار زیاد است.

همچنین جناب آقای بجنوردی به دانشنامه‌های تدوین‌شده و در حال تألیف این مرکز از جمله دانشنامه مهندسی اشاره فرمودند.

اکنون جناب آقای مهندس بهشتی، با توجه به اینکه شما تمامی بناهای تاریخی ایران را از نزدیک دیده و به لحاظ ارزش تاریخی در هر دوره مورد بررسی قرار داده‌اید، آیا دانشنامه مهندسی در این مرکز جایی دارد؟

بهشتی: از حضور در جمع شما عزیزان علاقه‌مند به مهندسی خیلی خوشحالم و برای پاسخ به سؤال شما: تا پیش از تدوین مجموعه گنجنامه توسط دانشگاه شهید بهشتی، تمامی آثار تاریخ معماری که از آنها مدارکی در

کتاب مختلف موجود بود برای دانشنامه «ایران شهر» بررسی شد. این منابع چیزی در حدود دویست مورد بود و آثار شناخته‌شده‌ای نظیر مسجد شیخ لطف‌الله، میدان نقش جهان، عالی‌قاپو و... مکرراً در منابع تکرار می‌شد. با انتشار گنجنامه زیر نظر دانشگاه شهید بهشتی، ۶۰۰ تا ۷۰۰ بنا معرفی شد که این معرفی شامل نقشه‌های بنا، تعدادی عکس و در حدود دو صفحه تاریخچه بنا بود که برای توضیح تاریخچه کافی نبود. سازمان میراث فرهنگی بنا به تکلیف قانونی موظف است آثار تاریخی را شناسایی، بررسی، مستندسازی، ثبت و در میان آثار ملی حفاظت کند. بر این اساس پیش‌بینی ما از تعداد بناهای تاریخی سراسر ایران چه خواهد بود؟ سازمان آموزش و پرورش نیز همانند میراث فرهنگی، بنا به قانون، موظف به تعلیم و تربیت تمامی افراد واجد تعلیم است و با همکاری مرکز آمار می‌تواند آمار دقیقی از تمامی افراد واجد تعلیم کشور را در اختیار داشته و بر این اساس تخمینی منطقی از امکانات و نیروهای مورد نیاز تعلیم این افراد داشته باشد. سازمان میراث فرهنگی تاکنون اقدامی برای تخمین این تعداد انجام نداده بود. در نهایت خبرگان این حوزه با تجربه فراوان از میان بیست‌هزار تا دو میلیون بنا، بر سر یک میلیون بنا به توافق رسیدند. با در نظر گرفتن این تعداد بنا، تمامی مدارک تاریخی موجود در گنجنامه ۷۰۰ بنا را پوشش می‌دهد که این تعداد اندک، قطره‌ای از دریاست. با توجه به این موضوع برای بحث و بررسی، ما نیازمند تصویری روشن و زمینه‌ای برای به‌دست آوردن اطلاعات هستیم که مرحوم دکتر شیرازی تلاش بسیاری در این زمینه کردند که در آن زمان تعداد کمی منبع مرتبط که عمدتاً به‌دست افراد خارجی درباره ایران نوشته شده بود وجود داشت، به‌جز نمونه‌های اندکی از جمله نوشته مرحوم پیرنیا که آقای کیانمهر اشاره کردند. مرحوم دکتر شیرازی کوشش بسیاری در راستای برپایی کنگره تاریخ معماری کرد و به مناسبت برگزاری اولین کنگره تاریخ معماری به همت دکتر شیرازی، عده بسیاری در این زمینه مطالبی نوشتند. در ادامه با برگزاری دوره‌های دوم و سوم کنگره در نهایت منابعی در این راستا به وجود آمد. همچنین در دانشگاه‌ها دوره‌های مطالعات معماری شکل گرفت تا آغازگر نهضت تولید منبع در حوزه تاریخ معماری باشد. اکنون وضع نسبت به گذشته خیلی بهتر است و این موضوع نکته‌ای را برایمان روشن می‌کند. موضوع پیش روی ما مبحثی با گستره زیاد و عمق زیاد است. زمانی که ما در حال بحث درباره دانشنامه هستیم، باید بدانیم که این موضوع از نظر کمی و کیفی دارای ابعاد بزرگی است. دانشنامه‌های کاغذی چنانچه بیش از سه‌هزار تا هفت‌هزار مدخل داشته باشند، استفاده از آنها دشوار می‌شود. ما از دانشنامه‌ها برای سهولت دسترسی به مطالب استفاده می‌کنیم؛ پس برای بررسی آثار در این دانشنامه، ناگزیر به گزینش حدود دوهزار بنا از میان یک میلیون بنای تاریخی هستیم. این بناها به علاوه اصطلاحات معماری و سایر اطلاعات مورد نیاز، دانشنامه‌ای با هفت هزار مدخل را پدید می‌آورد.

خوشبختانه در روزگاری زندگی می‌کنیم که دیگر حبس در مختصات کاغذی نیستیم. در فضای مجازی و انفورماتیک برخلاف مختصات کاغذی، امکان چینش اطلاعات در ابعاد بسیاری فراهم است و محدودیتی در تعداد مدخل‌ها وجود ندارد. پس می‌توان دانشنامه‌ای با مدخل‌های بسیار زیاد ایجاد کرد که با وجود گستردگی و شاخه‌های بسیار، با یک دکمه بتوان به اطلاعات مورد نیاز دسترسی پیدا کرد. ما در هنگام شروع دانشنامه تاریخ معماری راهی جز انتخاب چنین شیوه‌ای ندیدیم و توصیه من مراجعه به سیستم‌های پیچیده به‌جای سیستم درختی است.

نکته دیگر این است که از زمان آغاز دوره جدید نظام دانشگاهی به مفهوم رسمی در کشور ما و در دانشگاه تهران، دسترسی ما به متون قدیمی از طریق دانشکده ادبیات برقرار شد و این دانشکده تمامی متون قدیمی را به سلیقه و انتخاب خود تصحیح و منتشر کرده است. واضح است که برای ادیبان و فعالان این حوزه، متون شعر و نثر ادبی از اهمیت بیشتری برخوردار است و کتبی نظیر تاریخ بیهقی، نسبت به متونی در حوزه‌های ریاضیات، طب، نجوم و... در اولویت هستند. به همین ترتیب دانشکده‌های علوم مهندسی ما با این فرض برپا شدند که ما در گذشته حرفی برای گفتن نداشتیم و تا همین امروز به این شیوه جلو آمده‌اند. به‌عنوان مثال در رشته‌ی عمران هیچ‌گاه سؤال درباره‌ی سابقه این حوزه در ایران وجود نداشته است. اگر فردی مثل جناب آقای دکتر گلابچی سابقه صنعت ساختمان در کشور را مورد بحث قرار دهد، بیشتر به‌عنوان یک فرد ایران‌دوست و علاقه‌مند به سرزمین خود شناخته می‌شود، اما در بررسی‌های عمیق و جزئیات به ناچار فوراً متوقف می‌شویم، چراکه تاکنون مطالعات و اقداماتی در این زمینه صورت نگرفته است. ما همین قدر می‌دانیم که آثاری نظیر گنبد قابوس و سلطانیه سازه‌های ساده‌ای نیستند و البته که این موارد جزو سازه‌های فاخر ما هستند. حتی گذشته از این آثار، شیوه ساختمان‌سازی در موزه‌های میراث روستایی و در روستاهای گیلان حائز اهمیت است.

این یکی از گرفتاری‌های ماست که درباره گذشته خود هیچ متنی نداریم و به سراغ گذشته خود نرفته‌ایم. ما به سراغ فتوت‌نامه‌های پیشه‌های گوناگون نظیر نساجی، بنایی و... نرفته‌ایم. فتوت‌نامه‌ها برخلاف تصورات ما تنها شامل نصایح نیستند، بلکه در آنها به جزئیات رشته مربوط نیز پرداخته شده است. نکته دیگر آنکه در بسیاری مواقع، حرف‌هایی را باید در جاهای متفاوت از الگویی که از غرب گرفته‌ایم جست‌وجو کنیم. به‌عنوان مثال در کتابی نظیر ارشادالزراعه که مختص رشته کشاورزی و راهنمای زراعت است، مطالبی درباره پزشکی، هواشناسی، نجوم، آشپزی و... آمده است که در این موارد باید روش‌های جست‌وجوی متفاوتی را در پیش گرفت.

به توصیه من اولین قدم برای افرادی که مشغول تدوین دانشنامه مهندسی هستند، بازدید از کتابخانه مدرسه سپهسالار است که شاید بتوان آن را غنی‌ترین کتابخانه علوم تجربی در عصر معاصر در نظر گرفت. در این کتابخانه سه هزار و پانصد نسخه کتاب خطی در حوزه‌های مرتبط با علوم تجربی وجود دارد. هدف از بازدید این کتابخانه، نشان دادن و عرض اندام منابع قدیمی در مقابل نظام دانشگاهی برگرفته از سیستم غربی است. سرزمین ایران یک سرزمین دینامیک و پویاست، درحالی‌که سرزمین‌های اروپایی استاتیک هستند و این دو تفاوت زیادی با یکدیگر دارند. در هر یک از زیستگاه‌های ایران، با معادلات چندمجهولی و پیچیده‌ای طرف هستیم که تا قبل از حل‌وفصل آنها، امکان استقرار و زیست در آن مکان پدید نمی‌آمد. این درحالی است که در دوره جدید بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های دو سرزمین، نگاه ما به مسائل، براساس شیوه غربی-اروپایی بوده است. به‌عنوان مثال اکنون در ایران اطلس نقاط زلزله‌خیز، سیل‌خیز و پراکندگی جمعیت تهیه شده و هر سه مورد کاملاً با یکدیگر منطبق هستند. به این معنا که در مکان‌های زلزله‌خیز، امکان وقوع سیل بیشتر است و در عین حال جمعیت بیشتری در این محل‌ها استقرار دارند. در سرزمین‌های اروپایی در صورت وجود چنین مکان‌هایی با خطر زیاد سوانح، از سکونت در آنها پرهیز می‌شود. شاید این امر به ناآگاهی پدران ما و نبود دانش مهندسی در گذشته تعبیر شود، اما با علامت‌گذاری این نواحی روی نقشه ایران، درمی‌یابیم که در همه نقاط ایران

می‌توان زندگی کرد. در تمامی مسائل مهندسی حوزه‌های مختلف، مداخله در ارتباط با نقطه ملتهب و خطر آفرین مدنظر است. یکی از خصوصیات این نقاط ملتهب، زیاد بودن فاصله حداکثری و حداقلی و دامنه تغییرات است که با زیاد شدن این فاصله دیگر نمی‌توان به فاکتور میانگین اکتفا کرد. در حالی که امروزه در بیشتر زمینه‌های مهندسی نظیر سدسازی، خانه‌سازی و... میانگین‌ها اهمیت دارند و ملاک عمل قرار می‌گیرند. در حالی که در نقاط مرزی (حداقلی و حداکثری) باید همه نیازهای حداقلی و حداکثری مدنظر قرار گیرند و در گذشته به تمامی این نیازها پاسخ داده می‌شد. در سرزمینی با تجمع انبوهی از نقاط ملتهب، هنر بزرگ انسان از قوه به فعل درآوردن و تبدیل این نقاط ضعف به مزیت است. عمده مباحث تشکیل‌دهنده دانش بشری از مصادیق از قوه به فعل در آوردن است که به‌عنوان مثال می‌توان به اهلی کردن حیوانات، پیوند زدن گیاهان، استخراج فلزات از معادن و... اشاره داشت و تمامی این موارد در تاریخ گذشته این سرزمین مشهود است. ناآگاهی ما از وجود منابع معتبر برای ثبت چنین دانشی، به سبب نبود جست‌وجوی کافی در این زمینه است و نمی‌توان به‌طور قطع ادعا کرد منبع مکتوبی از دانش مهندسی گذشته ایران وجود ندارد. این ادعا که ایرانیان اهل نوشتار و ثبت موضوعات نبوده‌اند ادعایی نابه‌جاست، چراکه قطع به یقین، تعداد نسخ خطی فارسی موجود در جهان بیش از نسخ خطی انگلیسی سراسر جهان است. البته از سوی دیگر شفاهیات نیز حائز اهمیت است. اسرار و راز زیستن در یک روستا را نمی‌توان عیناً برای روستایی دیگر به‌کار گرفت و در هر محل، باید روش‌های منحصر به فردی را در پیش گرفت. بنابراین ثبت جزئیات این روش‌های گوناگون توجیهی نداشته و صرفاً کلیاتی از آن، چنانکه در کتاب‌های ارشادالزراعه و... می‌خوانیم، موجود است.

در یک قرن اخیر، نگهبانان مخزن، ما را از دانش موجود پشت درها آگاه نکرده‌اند و نتیجه آن ناآگاهی از وجود منابعی نظیر تنسوخ‌نامه‌های متعدد در حوزه معدن و سنگ‌های قیمتی، کرجی در حوزه هیدرولیک و... است. در کل جهان ما ۴۲ سد تاریخی با ارتفاع تاج بیش از ۱۵ متر و قدمت بیش از ۱۰۰ سال داریم که ۲۱ نمونه آن در ایران واقع شده است که این نشان از وجود دانش مهندسی و سدسازی در گذشته دارد. اما در ایران دو نوع رودخانه وجود دارد. رودخانه‌های دائمی مانند آنچه در خوزستان جریان دارد و رودخانه‌های فصلی. تمامی این سدهای تاریخی ذکر شده روی رودخانه‌های فصلی احداث شده و رودخانه‌های دائمی دارای بندهایی نظیر بند امیر هستند که مانند حائل در مقابل آب عمل می‌کنند و موجب بالا آمدن جزئی ارتفاع آب می‌شوند. این در حالی است که در دوره‌های اخیر تمامی سدهای احداث شده در محل رودخانه‌های دائمی بوده و رودخانه‌های فصلی نادیده گرفته شده‌اند.

محمودی: به تأکید بخش آخر سخنان مهندس بهشتی، علی‌رغم آنکه سدها و بندهای تاریخی دارای پیشینه وسیعی از دانش، فرهنگ و تکنولوژی هستند، نادیده گرفته شده و از هیچ‌کدام در منابع دانشگاهی سخنی به میان نیامده است. در حالی که جناب مهندس بیشتر از تجارب و سابقه ایران در این زمینه برایمان گفتند، روی سخن من با دکتر اعتصام است که به همان میزان تجربه تدریس در ایران، سابقه تدریس در سایر نقاط دنیا را دارند.

طبق سخنان جناب مهندس، یک میلیون بنای تاریخی در ایران شناسایی شده، ولی تاکنون دانشنامه مهندسی تدوین و گردآوری نشده است. آیا به واقع، در سایر کشورهایی که دارای دانشنامه مهندسی هستند یک میلیون بنای

تاریخی وجود داشته است؟

اعتصام: مطمئناً چنین عدد و رقمی تاحدودی اغراق شده است، اما در هر حال، چیزی که به اعتقاد بنده دارای اهمیت است، مسئله اطلاع‌رسانی است. طبق مطالب ذکرشده و تجربه شخصی، در سال‌های ۱۳۴۰ - ۱۳۳۹ و در تنها دانشگاه موجود، کتابخانه به معنای امروزی وجود خارجی نداشت و فقط در دانشکده هنرهای زیبا، در یک ساختمان دو طبقه فضایی بسیار کوچک شامل دو اتاق، به کتابخانه اختصاص داده شده بود و فضایی با کارکرد مطالعاتی مرتبط با کتاب‌ها وجود نداشت. البته کتابخانه‌ای تحت عنوان کتابخانه مرکزی در دانشگاه تهران وجود داشت، اما کتب تخصصی حوزه معماری و شهرسازی تقریباً وجود نداشت. سمت‌وسوی مطالعات دانشگاهی نیز به‌طوری بود که نیاز چندانی به این کتب نبود. نکته‌ای که به اعتقاد من بسیار اهمیت دارد مسئله COMMUNICATION (ارتباط و تعامل) این مجموعه شکل‌گرفته با کتاب است که تعداد کمی از استادان دانشگاهی ما از آن اطلاع دارند. ما باید به دنبال روشی برای اطلاع‌رسانی و آگاه کردن دانشجویان از وجود چنین منابع دانشنامه‌ای و تشکیلاتی باشیم.

محمودی: طبق اشارات جناب‌عالی پیرامون بحث کتاب، ۲۰ جلد تاریخ جامع ایران که سه سال پیش تدوین شد، دانشنامه تهران و همچنین همت برای دانشنامه مهندسی اقدامات عظیمی هستند.

اعتصام: در این زمینه لازم است به یک مورد اشاره کنم؛ جلد سوم کتابی سه‌جلدی که خود من شخصاً در تدوین آن با وزارت راه و شهرسازی همکاری داشته‌ام تحت عنوان معماری معاصر ایران منتشر شد اما با وجود چاپ این کتاب در زمینه معماری معاصر، در دانشگاه‌ها کسی از انتشار آن اطلاع نداشت.

محمودی: تصور من این است که بخشی از این تقصیر متوجه ما استادان و معلمان است، چراکه چنین منابع ارزشمندی را به‌درستی معرفی نکرده‌ایم. در ابتدای کار دانشنامه مهندسی نیز این نگرانی در زمینه اینترنتی بودن دانشنامه وجود داشت اما با تأیید جناب بجنوردی، بنا بر این شد که این دانشنامه از ابتدا به‌صورت آنلاین توسط مرکز دایرةالمعارف تدوین شود. جناب دکتر ساعدسمیعی، آیا به اعتقاد شما نیز دانشنامه مهندسی در اینجا جایی دارد؟ اگر خیر جایگاه تدوین چنین دانشنامه‌ای کجاست؟

ساعداسمیعی: جناب دکتر محمودی با زیرکی تمام امروز چندین استاد دانشگاه را در این برنامه دعوت کرده و از قبل با دکتر گلابچی صحبت شده تا پس از نشان دادن معماری فاخر ایران، در دو اسلاید آخر ما را متأثر کند. جناب دکتر گلابچی، من و شما به‌عنوان استاد دانشگاه با تعلیم نادرست دانشجویانمان، مقصر چنین فاجعه‌ای هستیم. مقاومت سازه‌ها و ناپایداری مصالح بنای خانه‌های مسکن مهر، در اثر اشتباهات محاسباتی و نادرست بودن شیوه تدریس ماست. من هم مسئولیت این اشتباه را می‌پذیرم و هم شما را مسئول می‌دانم. امروز اکثر افراد حاضر در این جمع دانشجوی معماری هستند. من از این افراد می‌پرسم چند نفر در دانشگاه‌های دولتی و آزاد، درس طرح را رد می‌شوند؟ در زمان ما استادان هزینه‌های دانشگاه را از قبولی دانشجویانشان تأمین نمی‌کردند. نمره‌های ما به هیچ عنوان توسط فرد داده نمی‌شد، بلکه نمره‌هایمان را به‌صورت شورایی می‌گرفتیم و این مسئله در دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی و علم‌وصنعت وجود داشت. فردی حق نداشت درس را طبق طرح درس و برنامه خود ارائه کرده، در آن واحد استاد راهنما یا مسئول نمره دادن باشد،

درحالی که امروزه در دانشگاه‌ها تمامی این مسئولیت‌ها را یک فرد بر عهده می‌گیرد و دانشجویان حتی از طرح بغل دستی خود بی‌خبرند. نتیجه چنین وضعی، همان ساختمان‌هایی است که به آنها اشاره داشتید و توقعی غیر از این هم نمی‌توان داشت. موارد ذکرشده مضاف بر معضل طرح و سبک معماری است که از روز اول نطفه‌اش در کشورمان بد بسته شده است.

در بحث کتاب؛ در دانشکده هنرهای زیبا همان‌طور که جناب دکتر اعتصام اشاره داشتند، یک راهرو باریک به کتابخانه اختصاص داشت، اما در کنار آن، هر یک از آتلیه‌های معماری به‌صورت جداگانه برای خود کتابخانه داشت. همه دانشجویان مبلغی پول به‌صورت ماهانه برای خرید کتاب به نماینده آتلیه می‌پرداختند. زندگی ما در آتلیه‌ها در حال ورق زدن کتاب می‌گذشت. امروزه دانشجویان ما کتاب نمی‌خوانند و در واقع اصلاً نیازی به آن ندارند. افراد خارج از دانشگاه هستند که بر ای تهیه پروژه‌های دانشجویی به کتاب نیاز دارند. دانشجویان ما بدون مطالعه و تلاش برای انجام پروژه‌های درسی مدرک معماری می‌گیرند. مسئولان دانشگاه با دید اقتصادی برای جذب دانشجویان و تشویق به ادامه تحصیل در واحد خودشان، نمره‌های غیرواقعی در نظر می‌گیرند.

اما در خصوص دانشنامه، این اقدام بسیار عظیمی است، چراکه در درجه اول خطاب به آقای بجنوردی، مهندسی مظلوم واقع نشده است، بلکه معماران مظلوم واقع شده‌اند. در ابتدا از بتن و سیمان نه برای ساختمان، بلکه برای ایجاد حجم‌های بزرگ استفاده می‌شد. پس از آن فولاد درست شد و سطوح چدنی به‌جای تیر چوبی و بدون اتصال در زیر ساختمان قرار می‌گرفت. یک فرد سوئیسی با قرار دادن فولاد در میان بتن، بتن آرمه را ساخت. پس از استقبال اندک معماران از آن و بی‌اعتنایی به محاسبات مربوط به بتن آرمه، مهندسان سیویل (عمران و سازه) که تا پیش از آن برای سهولت حرکت ارتش، جاده و پل احداث می‌کردند با فراگیری این محاسبات، مسئولیت محاسبات ایستایی ساختمان‌ها را پذیرفتند. به این شکل بخشی از مسئولیت معماران به مهندسان سیویل منتقل شد. این تقصیر در ابتدا متوجه معماران بود که درصدد یادگیری این محاسبات برنیامدند و امروزه این دو دانش در صنعت ساختمان به خوبی با یکدیگر همکاری دارند. اکنون به‌دلیل مشکلات و نقایص سیستم آموزشی ما معماران دانش اندکی درباره سازه دارند و به‌نسبت عقب افتاده‌اند. دانشجویان معماری ما اطلاعاتی درباره سیستم برق، تهویه و... در ساختمان ندارند و صرفاً در زمینه طراحی ساختمان فعالیت می‌کنند. در این حالت طبیعی است که نتیجه کار مطلوب نخواهد بود.

در ارتباط با دانشنامه باید گفت که ما شمار زیادی سفرنامه داریم که تنها ۱۰۳ مورد از آنها متعلق به دوره قاجار است. از گذشته درباره معماری و ساختمان‌ها مطالبی نوشته شده است. نوشتن تاریخ معماری برگرفته از همین مطالب ثبت شده است که این تاریخ معمولاً به عمل انجام‌شده و برداشت‌های آن می‌پردازد و توجه کمتری به فلسفه وجودی این آثار می‌کند. خواهش من از جناب بجنوردی این است که بخش‌هایی در این دانشنامه در نظر گرفته شود که صرف‌نظر از ارزش آثار، جمع‌آوری شوند و با گذشت زمان و پس از بازنگری در صورت صحیح و معتبر بودن انتشار داده شده در اختیار عموم مردم قرار گیرد.

در فرانسه در کنار موزه لوور، موزه‌ای دیگر وجود دارد که دانشجویان از آن با نام رختکن یاد می‌کنند. به این معنا

که آثار گوناگون صرف نظر از ارزش تاریخی در آنجا قرار می‌گیرند و زمان ارزش آنها را مشخص می‌کند. ما نیز باید در هنگام بررسی آثاری نظیر مسجد شیخ لطف‌الله و پل خواجه بینیم که این آثار در چه زمان و شرایطی خلق شده‌اند و چگونه محیط اجازه خلق چنین اثری را به معمار داده است. درباره میدان آزادی، در هنگام انتشار آگهی مسابقه طراحی آن، تعدادی از دانشجویان و معماران ما با توجه به مشکلات موجود در کشور، مخالف ساخت این اثر بودند. با برگزاری مسابقه، حسین امانت برنده شد و روند طراحی و ساخت بدون نقشه و پلان و همچنین بدون وجود مهندسان و افراد تحصیل کرده رده بالا، تنها با حضور سه مهندس (مهندس مفتاح، مهندس حقیقی و مهندس بیگی) اجرا شد. در این شاهکار بدون پلان، هر سنگ با کمک دوربین‌هایی که در جهات شرقی - غربی و شمالی جنوبی نصب شده بود رصد شده و با استفاده از جدول محل دقیق آن مشخص می‌شد.

در زمینه معماری روستایی گیلان نیز نمی‌توان تنها با صحبت با روستاییان به ظرایف این مبحث پی‌برد. میراث روستایی گیلان که جناب بهشتی اشاره کردند، به زودی نابود خواهد شد، چراکه فاقد اصلی‌ترین عنصر یعنی دود است. اساس پایداری بناهای روستایی ایران دود بود. در یک اتاق دربسته که ورودی آن ارتفاع اندکی داشت، از دود برای گرم شدن و پختن غذا در زمستان استفاده می‌شد. دود با نفوذ به زیر گالی پوشی مانع رشد قارچ و هجوم حیوانات می‌شد. به همین دلیل سیر، برنج و پیاز را در پشت بام نگهداری می‌کردند. برنج‌های دودی شمال نیز در آن زمان به همین ترتیب دودی می‌شدند. اما امروزه در کارخانه‌ها به شکل مصنوعی این عمل را انجام می‌دهند. نوشتن تمام این نکات وظیفه ماست و باید در دانشنامه علاوه بر پرداختن به شکل ظاهری و ایستایی فوق‌العاده، تنوع زیاد خانه‌ها در گیلان، به نکات این‌چنینی نیز توجه شود. باید آثار و وقایع گوناگون در طول تاریخ نظیر اصلاحات ارضی، واردات نشا از ژاپن و احداث کارخانه‌های برنج بر خانه‌های روستایی بررسی شود. پس علاوه بر جنبه‌های فنی مهندسی، باید محیط و تأثیر سایر علوم نظیر شیمی، گیاه‌شناسی و... نیز بررسی شود. اما متأسفانه در دانشگاه‌ها به این نکات پرداخته نشده و طراحی صرفاً به منزله نقاشی بدون توجه به جامعه به دانشجویان القا می‌شود.

محمودی: شایان ذکر است که جناب دکتر قول نگاشتن مدخل خانه‌های سنتی گیلان را داده‌اند که در بخش‌هایی از صحبت‌شان به آن اشاره داشته‌اند. بحث دیگری را که مطرح می‌شود جناب آقای بجنوردی می‌توانند در این زمینه پاسخ دهند. تاکنون چندین دانشنامه معماری، هنر، معماری باستان و... نوشته شده است. اکنون چرا دوباره باید این دانشنامه گردآوری شود؟ آیا تدوین این دانشنامه با توجه به سایر منابع موجود لازم است؟

بجنوردی: ما باید از همه منابع موجود باید استفاده کنیم. حتی همان‌طور که اشاره شد ممکن است به نوشته‌ها و اشارات خاورشناسان، سفرنامه‌نویسان و... نیز استناد شود. بنابراین از همه کتب، منابع و دایرةالمعارف‌هایی که تا پیش از این نوشته شده‌اند بهره می‌گیریم.

اما در این زمینه روش تحقیق و علمی بودن مقالات از اهمیت زیادی برخوردار است. برای علمی شدن مقالات باید با تکیه بر متون تاریخی و منابع معتبر مقالات خود را ارائه کنیم. همچنین باید از تکرار مکررات بپرهیزیم و بر این اساس باید ضوابطی برای انتخاب و گزینش از بین آثار وضع شود. این گزینش برای نشان دادن جهت‌گیری غالب جریان‌های

معماری و تمام نقش مهندسان در یک دوره تاریخی است. برای نگاشتن دایرةالمعارف خلیج فارس، مهندس نیلوفر نیکقدم به بررسی معماری خلیج فارس پرداخت و با بیش از یک سال تحقیق و پژوهش در تمامی منابع، مقاله‌ای عالمانه تألیف کرد که می‌تواند خود مرجعی برای کارهای آتی در زمینه شناخت معماری سواحل شمالی خلیج فارس باشد. البته چنانکه اشاره شد، مقاله‌ها از نظر ارزش و اعتبار با یکدیگر متفاوت‌اند. به‌عنوان مثال نسخ قدیمی خطی که نشان‌دهنده پیشرفت و روند رو به جلو ما در گذشت زمان هستند از ارزش زیادی برخوردارند. چراکه هنگام بررسی هر اثری، باید به شرایط زمانی و مکانی ساخت آن توجه داشت و این شرایط را در بررسی‌ها منعکس کرد.

محمودی: سؤال آخر خطاب به جناب آقای بجنوردی این است که بسیاری از دانشنامه‌ها و دایرةالمعارف‌های تدوین‌شده در مرکز دایرةالمعارف حوزه اسلامی به توضیح وقایع تا پایان دوره قاجار می‌پردازند و اعتقاد بر این است که دوره پهلوی هنوز عضوی از دوره‌های تاریخی نشده است، اما در کار تدوین دانشنامه مهندسی، آثار تا همین امروز نیز بررسی می‌شوند. دلیل این امر چیست؟

بجنوردی: در زمینه نوشتن تاریخ جهان سلام که ۱۴ سال به طول انجامید و حدود ۱۷۰ استاد داخلی و خارجی در این پروژه سهیم بودند نیز چنین امری وجود داشت. هنگامی که در حال نوشتن تاریخ هستیم طبیعتاً نقش مسئولان بلندمرتبه کشور به‌نحوی ارزیابی شده و از منابعی که پیش از این پدید آمده استفاده می‌شود. اما در زمینه دوران پهلوی هنوز منابع زیادی وجود دارد که باید بررسی شود. انجام این‌گونه کارهای میدانی کار دایرةالمعارف‌نویسان نیست و ما صرفاً از منابع موجود در اشکال متنوع (کاغذی، دیجیتالی، سنگ‌نوشته‌ها و...) استفاده می‌کنیم و پس از جمع‌آوری اطلاعات، با روش علمی به تدوین دانشنامه‌ها می‌پردازیم. در عصر پهلوی هنوز نکات مبهم بسیاری وجود دارد که باید با اسناد معتبر توسط نویسندگان و مورخان روشن شود.

محمودی: نشست امروز بر محور دانشنامه مهندسی شکل گرفته و تمامی هزینه‌ها از سوی مرکز رایزن تأمین شده است. این نشست در هر فصل تکرار خواهد شد. در اولین نشست نیاز به وجود دانشنامه از دیدگاه‌های مختلف بررسی شد. جناب آقای دکتر توافقی نگاهی عمیق به دانشنامه‌ها و دایرةالمعارف‌های مختلف عرضه داشتند. جناب آقای دکتر گلابچی به موضوعات واقعی و ارزش حقیقی معماری بناها و تاریخ کتبی اشاره داشتند. جناب آقای دکتر کیانی بحث نگاه تاریخی - هویتی را عنوان کردند. با اجازه جناب آقای بجنوردی، نشست دوم در ماه آبان برگزار خواهد شد که در این برنامه از جمعی از بانوان دعوت به عمل آمده است و به بحث قلعه‌ها و تمدن‌های مرتبط با آنان خواهیم پرداخت.

با تشکر از حضور تمامی عزیزان

بیست و هفتم شهریور ۱۳۹۸